

## The Scientific and Cultural Status of Shia in the Province of Jazirah (2nd-7th centuries AH / 8th-13th centuries AD)

Jahanbakhsh Thawaqib<sup>1</sup> \ Roya Rezaei<sup>2</sup> \ Mohsen Rahmati<sup>3</sup>

1. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran (corresponding author).


savagheb.j@lu.ac.ir

2. PhD in Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

rezai.r@fh.lu.ac.ir

3. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

rahmati.mo@lu.ac.ir

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	In the early Islamic centuries, the <i>Jazirah</i> was a center of scientific and cultural activities in the translation movement and the presence of Sunni and Shiite Muslim scholars and scientific and cultural elders in the cities of this state. With the presence of a large population of Shiites, Sadats, and Alawites in <i>Jazirah</i> , which formed part of its population composition, and the formation of Shiite governments, Shiite scientific and cultural activities also flourished in this state. Despite this Shiite movement in <i>Jazirah</i> , an important scientific and cultural center and a specific Shiite school of thought did not form in any of the cities of this province. The reason for this is a question that in this article, the reasons for this, along with the scientific and cultural position of Shiism in <i>Jazirah</i> , are examined and explained with a descriptive-analytical approach. The research findings show that Shiism is an active and somewhat widespread movement in <i>Jazirah</i> ; however, due to the existing political and religious conditions, the weak performance of local Shiite scholars and rulers, a brilliant scientific and cultural center and a Shiite school specific to <i>Jazirah</i> did not emerge.
	
<b>Received:</b> 2024.02.21	
<b>Accepted:</b> 2024.09.16	
<b>Keywords</b>	<i>Jazirah</i> state, Shia, Shiite scholars, local rulers of the island, scientific and cultural center.
<b>Cite this article:</b>	Thawaqib, Jahanbakhsh, Roya Rezaei & Mohsen Rahmati (2025). The Scientific and Cultural Status of Shia in the Province of Jazirah (2nd-7th centuries AH / 8th-13th centuries AD). <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 15 (4). 9-42. DOI: 10.22034/15.57.7
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/15.57.7">https://doi.org/10.22034/15.57.7</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## الاضاع العلمية و الثقافية للشيعه فى ولاية الجزيره (القرون ٢-٧ ق / ٨-١٣م)

جهانبخش ثواقب<sup>١</sup> / رؤيا رضايي<sup>٢</sup> / محسن رحمتي<sup>٣</sup>

١. استاذ فرع التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة لرستان، خرم آباد، ايران (الكاتب المسؤول).

savagheb.j@lu.ac.ir

٢. دكتوراه تاريخ الاسلام فرع التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة لرستان، خرم آباد، ايران.

rezai.r@fh.lu.ac.ir

٣. استاذ فرع التاريخ، كلية الاداب و العلوم الانسانية، جامعة لرستان، خرم آباد، ايران.

rahmati.mo@lu.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	كانت ولاية الجزيره فى القرون الاسلاميه الاولى من بؤر النشاطات العلميه و الثقافيه فى نهضة الترجمة و حضور العلماء و كبار العلم و الثقافه من المسلمين السنة و الشيعة فى مدن هذه الولاية. بحضور حشد كبير من الشيعة و الاشراف و العلويين فى الجزيره الذين يشكلون شطرا من التركيبة السكانية و بلورة الدول الشيعة، حيث ازدهرت النشاطات العلميه و الثقافيه الشيعة فى هذه الولاية. بالرغم من هذا التيار الشيعي فى الجزيره، لم يتبلور بؤرة علميه و ثقافيه هامه و ايضا مدرسه شيعيه خاصه فى أحدي مدن هذه الولاية. علت هذا الموضوع هو السؤال فى هذا المقال، حيث يتم دراسة و تبين أسباب ذلك برفقه المكانه العلميه و الثقافيه للتشيع فى الجزيره. حصيلة البحث تشير الى أن التشيع فى الجزيره كان مسار فاعل و منتشر الى حد ما؛ الا انه بسبب الظروف السياسيه و المذهبيه، ضعف اداء العلماء و حكام الشيعة المحليين، لم يبرز بؤرة علميه و ثقافيه لامعة و مدرسه شيعيه خاصه بالجزيره.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٨/١١	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٣/١٢	
الألفاظ المفتاحية	ولاية الجزيره، الشيعة، علماء الشيعة، حكام الجزيره المحليين، بؤرة علميه و ثقافيه.
الاقتباس:	ثواقب، جهانبخش، رؤيا رضايي و محسن رحمتي (١٤٤٦). الاوضاع العلميه و الثقافيه للشيعه فى ولاية الجزيره (القرون ٢-٧ ق / ٨-١٣م). مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٥ (٤). ٤٢-٩. DOI: 10.22034/15.57.7
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/15.57.7
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



# تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۵، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۵۷

## وضعیت علمی و فرهنگی شیعه در ایالت جزیره (سده‌های ۲-۷ ق / ۸-۱۳ م)

جهانبخش ثواقب<sup>۱</sup> / رؤیا رضایی<sup>۲</sup> / محسن رحمتی<sup>۳</sup>

۱. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

savagheb.j@lu.ac.ir

۲. دکترای تاریخ اسلام گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

rezai.r@fh.lu.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

rahmati.mo@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۹ - ۴۲)</p>  <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶</p>	<p>ایالت جزیره در سده‌های نخستین اسلامی از کانون‌های فعالیت‌های علمی و فرهنگی در نهضت ترجمه و حضور عالمان و بزرگان علمی و فرهنگی مسلمان سنی و شیعه در شهرهای این ایالت بود. با حضور جمعیت زیادی از شیعیان و سادات و علویان در جزیره که بخشی از ترکیب جمعیتی آن را تشکیل می‌داد و شکل‌گیری دولت‌های شیعی، فعالیت‌های علمی و فرهنگی شیعی در این ایالت نیز رونق گرفت. با وجود این جریان شیعی در جزیره، یک کانون مهم علمی و فرهنگی و یک مکتب شیعی خاص در یکی از شهرهای این ایالت شکل نگرفت. چرایی این موضوع پرسشی است که در این مقاله، علل آن همراه با جایگاه علمی و فرهنگی تشیع در جزیره، با رویکرد توصیفی - تحلیلی، بررسی و تبیین می‌شود. یافته پژوهش نشان می‌دهد که تشیع در جزیره یک جریان فعال و تا حدی گسترده است؛ اما به دلیل شرایط سیاسی و مذهبی موجود، ضعف عملکردی عالمان و حکام محلی شیعی، یک کانون درخشان علمی و فرهنگی و مکتب شیعی خاص جزیره ظاهر نشد.</p>
واژگان کلیدی	ایالت جزیره، شیعه، عالمان شیعی، حکام محلی جزیره، کانون علمی و فرهنگی.
استناد:	ثواقب، جهانبخش، رؤیا رضایی و محسن رحمتی (۱۴۰۳). وضعیت علمی و فرهنگی شیعه در ایالت جزیره (سده‌های ۲-۷ ق / ۸-۱۳ م). <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i> . ۱۵ (۴). ۹-۴۲. DOI: 10.22034/15.57.7
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/15.57.7
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

ایالت جزیره در نوشته‌های جغرافی‌نگاران مسلمان به بخش میان‌رودان (بین‌النهرین) شمالی واقع بین دو رود دجله و فرات گفته می‌شد که به سه قسمت، برگرفته از نام سه قبیله ربیعیه، مُضَر و بَکَر، تقسیم می‌شد: دیار ربیعیه، دیار بَکَر و دیار مُضَر. مرکز دیار ربیعیه شهر موصل بود. رأس‌العین، باعربایا، ماردین، نصیبین، دارا، جزیره ابن‌عمر، سنجار، بَلَد و طورعبدین از دیگر شهرهای مهم این دیار بود. آمِد،<sup>۱</sup> میافارقین، حصن کیف (کیفا)<sup>۲</sup> و تلّ فافان<sup>۳</sup> به‌عنوان شهرهای دیار بکر نام برده شده است. مرکز دیار مضر، رَقّه (الرّقّه) بود و دیگر شهرهای مهم آن عبارت بودند از: حَرّان، رافقه، رُها یا اِدِسا، رُصافه، سَروج، بَالِس، صِفین، رَحبه، قَرِیسِیا، مُحترقه، خانوقه، خریش، باجروان، حصن مُسلمه، ترعوز و باجدا.<sup>۴</sup>

منطقه جزیره جدای از اینکه صحنه حوادث و رخداد‌های سیاسی گوناگون در طی سده‌های نخستین اسلامی بود و حکومت‌های محلی قدرتمندی اعم از شیعه و سنی همچون بنی‌همدان (شاخه جزیره و شمال شام ۲۵۴ - ۳۸۷ ق / ۸۶۸ - ۹۸۹ م)، بنی‌عقیل (۳۸۰ - ۴۸۹ ق / ۹۹۰ - ۱۰۹۶ م)، زنگیان (شاخه جزیره و شام ۵۲۱ - ۶۴۹ ق / ۱۱۲۷ - ۱۲۵۱ م) و ایوبیان (شاخه جزیره ۵۸۱ - ۶۵۸ ق / ۱۱۸۵ - ۱۲۶۰ م) را به خود دید؛ از لحاظ علمی و فرهنگی مانند بسیاری از دیگر سرزمین‌های اسلامی شاهد حضور عالمان، فقهاء، محدثان و شاعران زیادی بوده است. کثرت مسافرت‌های افراد گوناگون و جویندگان علم به سرزمین جزیره نزد عالمان شیعی و سنی، نشان از حضور و پراکندگی دارندگان دانش‌های مختلف در این منطقه است. اشاره‌های گوناگون منابع موجود حاکی از آن است که شهرهای جزیره مانند موصل، رَقّه، اِربِل، آمِد، حَرّان و دیگر شهرها، محل حوزه درس و تعلیم عالمان، شاعران و بزرگان دانش بوده‌اند. این عالمان هم در زمره اهل تشیع و هم اهل تسنن بودند و نقش آنها در پیشبرد علوم مختلف غیر قابل انکار است.

هدف این مقاله بررسی فعالیت‌های علمی و فرهنگی شیعی در ایالت جزیره مقارن با ایام خلافت عباسی (۱۳۲ - ۶۵۶ ق / ۷۵۰ - ۱۲۵۸ م) است و تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به حضور جمعیت شیعی، سادات علوی، علما و فضلالی فراوان شیعه در ایالت جزیره، چرا یک کانون مهم فرهنگی و یا یک مکتب شیعی خاص جزیره شکل نگرفته است. فرضیه پژوهش، عملکرد بزرگان (عالمان) دانش‌های شیعی در جزیره و عملکرد دولت‌های مختلف شیعی و سنی صاحب قدرت در این

1. Āmed.

2. Hesn Kayfa.

۳. فافان، فافاه.

۴. در این باره، رک: مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ص ۱۳۷؛ قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۳۵۱، ۳۶۸؛ اصطخری، *المسالك و الممالك*، ص ۵۴ - ۵۲؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۱۳۴ و ۴۹۴؛ ابن‌شداد، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره*، ج ۳، ص ۱۵۴ - ۳.

ایالت را در این امر مؤثر دانسته است. این پژوهش از نوع تاریخی است و داده‌های آن با تکیه بر منابع معتبر تاریخی، به روش کتابخانه‌ای فراهم آمده و بررسی و تبیین موضوع با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

### پیشینه پژوهش

درباره موقعیت تشیع در ایالت جزیره پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده درباره جزیره بیشتر مربوط به حوادث سیاسی و حکومت‌هایی که در جزیره شکل گرفته و یا موضوعات دیگری غیر از وضعیت فرهنگی بوده است. برای نمونه، مودت و موسوی (۱۳۹۵) در بررسی «مناسبات سیاسی حکومت بنی‌عقیل شیعی با آل‌بویه، فاطمیان و سلجوقیان» با رویکرد سیاسی به این مناسبات پرداخته‌اند و وارد حوزه فکری و فرهنگی نشده‌اند. ظهیری (۱۳۹۵) به «نقش مراکز علمی جزیره در پیشبرد علوم و ادب عصر عباسی» پرداخته و با رویکرد ادبی فقط به فهرستی از ادبا و نویسندگان این نواحی بسنده کرده و اصلاً به وضعیت شیعه ورودی نداشته است. رضایی و همکاران (۱۴۰۲) در «بررسی تکاپوهای تبلیغی و نظامی فاطمیان در ایالت جزیره» درصدد آن بوده‌اند که تبیین کنند فاطمیان برای حضور در ایالت جزیره چه سیاستی را به کار بستند. پژوهش‌های عربی نیز بیشتر به محدوده اقلیم جزیره و اوضاع اجتماعی و اقتصادی و یا سیاسی آن پرداخته‌اند و به مسائل اندیشه‌ای، به‌ویژه در ارتباط با تشیع، وارد نشده‌اند. العزاوی (۱۹۸۴) در مقاله‌ای به محدوده جغرافیایی جزیره از دید دو جغرافی‌نگار، اصطخری و ابن‌حوقل، پرداخته است. خطاب (۱۹۸۵ م / ۱۴۰۵ ق) در مقاله‌ای دو جزئی، بلاد جزیره را پیش از فتح اسلامی و در ایام فتوحات بررسی کرده؛ در قسمت اول به موقعیت، حدود و شهرهای جزیره و در قسمت دوم به جنبه اقتصادی و به مراحل فتح جزیره پرداخته و به اوضاع مذهبی آن اشاره‌ای ندارد. محمد (۱۹۸۹) اوضاع اجتماعی و اقتصادی در بلاد جزیره را در سده ششم هجری، بدون ورود به وضعیت فکری و مذهبی و وضعیت شیعه، بررسی کرده است. صابان (۱۴۲۱ ق [۲۰۰۱ م]) یکی از شهرهای جزیره به‌نام جزیره ابن‌عمر را در تاریخ و تمدن بررسی کرده که در بخش تمدنی به شخصیت‌های علمی سنی اشاره کرده است. وریکات (۲۰۰۱) در رساله کارشناسی ارشد منتشر نشده، زندگی اجتماعی و اقتصادی جزیره در سده‌های ۴ و ۵ هجری را بررسی کرده و حمودی (۲۰۰۸) نیز در چنین رساله‌ای، به وضعیت جزیره از اوایل عصر عباسی تا پایان خلافت مأمون (۱۳۲ - ۲۱۸ ق / ۷۵۰ - ۸۳۳ م) پرداخته و هیچ‌کدام به اوضاع فکری، فرهنگی و مذهبی آن نپرداخته‌اند. الحارثی (۲۰۰۷ م / ۱۴۲۷ ق) اوضاع تمدنی در اقلیم جزیره را در سده‌های ۶ و ۷ هجری در قالب کتاب بررسی کرده و پس از اوضاع سیاسی و اقتصادی، در فصل سوم



به اوضاع تمدنی پرداخته که در آن فهرستی از علمای مختلف رشته‌های علمی با شرح حال آنها به دست داده و از فعالیت‌های علمی شیعه بحثی به میان نیامده است. پژوهش‌های دیگری همچون پژوهشی که صکبان علی (۱۹۸۵) در آن به زندگی روستایی در جزیره در سده نخست هجری پرداخته، پژوهشی که **الدویکات** (۲۰۱۳) در آن به اوضاع کشاورزی در اقلیم جزیره فرات در عصر اموی پرداخته و کتابی که قداوی (۲۰۱۵ م / ۱۴۳۶ ق) نگاشته، با موضوع این پژوهش ارتباطی ندارند. بنابراین، درباره وضعیت علمی و فرهنگی شیعه مقارن خلافت عباسی سده ۲ تا ۷ هجری، پژوهش مستقلی انجام نشده و این مقاله می‌تواند گامی تازه در این باره به‌شمار آید و همین عدم توجه، ضرورت انجام این پژوهش را تقویت کرده است.



### پیشینه علمی و فرهنگی ایالت جزیره

ایالت جزیره در دوره باستان به یکی از کانون‌های علمی در جهان آن زمان تبدیل شده بود و برخی شهرهای مهم آن نظیر حرّان و نصیبین جزء مهم‌ترین شهرهای فرهنگی به‌شمار می‌رفته‌اند. حرّان یکی از کانون‌های علمی در حوزه‌های طبی و ستاره‌شناسی بود و در آستانه شکل‌گیری تمدن اسلامی بود که برای مدتی به محل اجتماع علمای یونانی‌زبان از مصر رانده‌شده و سریانی‌های منطقه تبدیل شد. ایالت جزیره با کانون‌های علمی سریانی که داشت، نقش زیادی در انتقال علوم یونانی به جهان اسلام بازی کرد. این ناحیه در سده‌های اولیه اسلامی در حوزه‌های دانش مانند طب، نجوم، فلسفه، الهیات، ریاضیات

و جغرافیا، سهم مهمی در حوزه ترجمه متون یونانی و سریانی به زبان عربی به عهده داشت و این نقش تا حدود زیادی روشن شده است.<sup>۱</sup>

در زمینه طب اگرچه ابن‌جلجل اندلسی (م. ۳۸۴ ق / ۹۹۴ م) سهم اندکی را به میراث نوشتاری جزیره اختصاص داده است؛<sup>۲</sup> اما ابن‌ابی‌اصیبعه (م. ۶۶۸ ق / ۱۲۷۰ م) به نقش مهم و تأثیرگذار این منطقه در پرورش و انتقال علوم طب به جهان اسلام اشاره‌های فراوانی دارد.<sup>۳</sup> در زمینه الهیات تأثیری که مسلمانان از علمای سریانی پذیرفته‌اند به بحث گرفته شده و شواهد زیادی در رابطه با این تأثیرپذیری عرضه شده است.<sup>۴</sup> سریانی‌های جزیره در زمینه انتقال متون جغرافیایی و نجومی بطلمیوس و جالینوس به جهان اسلام نقش مهمی ایفا کردند؛ اما خود در تولید چنین متونی در دوره پیش از اسلام هیچ خلاقیت و نبوغی به خرج نداده‌اند.<sup>۵</sup> اولیری بر آن است که نسطوریان مسیحی سریانی سهم خاصی در حفظ و انتقال دانش‌های یونانی در زمینه‌های فلسفی و کلامی به جهان اسلام داشته‌اند.<sup>۶</sup> در زمینه نجوم، سریانی‌های ایالت جزیره نه تنها کوشش‌های زیادی در باب ترجمه آثار یونانی به عربی داشتند،<sup>۷</sup> بلکه نشان خود را بر برخی از این آثار گذاشتند و دانش ستاره‌شناسی‌ای را که در برخی شهرهای آن نظیر حرّان جنبه مذهبی به خود گرفته بود، وارد این حوزه از دانش کردند.

در طول دوره خلافت عباسی، به‌ویژه در سده‌های چهارم و پنجم هجری، که از آن به عنوان عصر زرین تمدن اسلامی نام برده می‌شود، جزیره سرزمینی بود که بر اساس گزارش‌های منابع (تاریخی، ادبی، رجال و دینی)، محل حضور محدثان، فقها، فضلا و شاعران زیادی بوده و مجالس و مدارس پررونقی در آنجا برپا بوده است. عالمان و بزرگان دانشی جزیره در زمینه تعلیم دانش و پرورش شاگردان، فعالیت پررنگی داشته‌اند. افراد برای تحصیل نزد استادان و عالمان، اعم از شیعی و سنی، به این سرزمین می‌آمدند که خود گویای تساهل و تسامح مذهبی در این منطقه و رونق فرهنگی آنجا است. اسامی دانشمندان و شاعران مختلفی مانند خالدی‌ها، آمدی‌ها، حرّانی‌ها، موصلی‌ها، جزری‌ها (منسوب به جزیره ابن‌عمر)، ماردینی‌ها، رقی‌ها و دیگران که هریک منتسب به شهرهای مختلف جزیره بودند، نشان از رونق دانش‌های مختلف و پرورش دارندگان و استادان دانش‌ها در این سرزمین است.

۱. گوتاس، *تفکر یونانی و فرهنگ عربی*، ص ۶۳ - ۲۰، ۹۷ و ۱۶۵.

۲. ابن‌جلجل، *طبقات الأطباء و الحكماء*، ص ۷۵، ۸۰، ۹۴ و ۱۱۳.

۳. ابن‌ابی‌اصیبعه، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، باب ۸ و ۹ و باب ۱۰، ص ۴۱۲ - ۲۸۵.

۴. کراوس و دیگران، *فرهنگ یونانی و اندیشه ایرانی*، ص ۵۳ - ۱۲.

۵. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ص ۵۶ و ۵۹.

۶. اولیری، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی*، ص ۱۱۳ - ۷۵.

۷. نالینو، *تاریخ نجوم اسلامی*، ص ۲۸۳ - ۲۶۸.

## جایگاه علمی و فرهنگی تشیع در جزیره

عالمان و بزرگان و شاعران شیعی در کنار مشاهیر اهل سنت، نقش پررنگی در فعالیت‌های علمی و پرورش شاگردان در شهرهای جزیره و رونق علمی و فرهنگی جزیره داشتند. هرچند شمار این چهره‌ها در مقایسه با بزرگان دانشی اهل سنت کمتر بودند و این امر می‌تواند ناشی از ترکیب جمعیتی جزیره نیز بوده باشد که جمعیت اهل سنت بیشتر بودند. با این وجود، شمار قابل توجهی از بزرگان شیعی در زمینه‌های مختلف سیاسی، ادبی و فقهی دارای جایگاه و احترام در نزد حکما و مردم بودند و صاحب جلسات شعر، حدیث و مناظرات بودند.

### ۱. عالمان شیعی

از جمله بزرگان شیعه جزیره، عبیدالله بن محمد بن جرو اسدی (م. ۳۸۷ ق / ۹۹۷ م)، اهل موصل، شاگرد ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی بوده که در نزد حاکمان بویهی دارای جایگاه والا بوده است. گفته شده وقتی عضدالدوله دیلمی از ابوعلی فارسی برای نماز امامی طلبید که افزون بر علم قرائت، به ادب عربی هم آگاه باشد، عبیدالله بن جرو اسدی را معرفی کرد. ابن جرو نزد عضدالدوله آمد و نماز او را امامت کرد. وی دارای کتاب‌های **تفسیر القرآن، الموضح در عروض، المفصح در قوافی و الأمد در قرائت** بوده و شعر هم داشته است.<sup>۱</sup> قاضی ابوالحسین محمد بن عثمان بن حسن نصیبی (م. ۴۶۰ ق / ۱۰۶۸ م)، که نسب او به نصیبین از شهرهای معروف جزیره می‌رسد، یکی دیگر از بزرگان شیعی جزیره است. نصیبی از مشایخ نجاشی (م. ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م) صاحب کتاب الرجال بوده که علاوه بر منصب قضاوت، راوی حدیث نیز بوده است.<sup>۲</sup> قاضی نصیبی، کتب فارس بن سلیمان ارجانی را در ارجان (بهبهان کنونی) سماع کرده و اجازه نقل این کتب را به نجاشی، داده است.<sup>۳</sup> همچنین وی از حسین بن احمد بن خالویه (م. ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م)، که ساکن حلب بوده<sup>۴</sup> و از احمد بن حسین غضائری (م. پیش از ۴۵۰ ق) حدیث نقل می‌کند.<sup>۵</sup> نجاشی نیز از وی، نقل می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که نصیبی، واسطه انتقال کتب از ارجان و حلب به بغداد بوده است.<sup>۶</sup>

۱. قفطی، **إنباه الرواة على أنباه النحاة**، ج ۲، ص ۱۵۴؛ سیوطی، **طبقات المفسرين**، ص ۶۳؛ حموی، **معجم الأدباء**، ج ۴، ص ۱۵۷۹ - ۱۵۷۷.

۲. امین، **أعيان الشيعة**، ج ۳، ص ۳۴۳ - ۳۳، ج ۴، ص ۱۵۰.

۳. نجاشی، **فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر بر رجال النجاشی**، ش ۸۴۹، ص ۳۱۰.

۴. همان، ش ۱۶۱، ص ۶۷؛ شیخ آقابزرگ طهرانی، **طبقات اعلام الشيعة**، ج ۱، ص ۱۰۵.

۵. نجاشی، **فهرست اسماء ...**، ش ۵۷۲، ص ۲۱۹.

۶. ر.ک: همان، ش ۱۶۱، ص ۶۷؛ ش ۵۷۲، ص ۲۱۹؛ ش ۶۰۳، ص ۲۲۸؛ ش ۸۴۹، ص ۳۱۰؛ ش ۱۱۸۹، ص ۴۴۱؛ درباره قاضی نصیبی، همچنین ر.ک: خطیب بغدادی، **تاریخ بغداد أو مدينة السلام**، ج ۳، ص ۵۲ - ۵۱.



علی بن حسن بن عنتربن ثابت، معروف به شمیم حلّی (م. ۶۰۱ ق / ۱۲۰۵ م)، از جمله عالمان بزرگ شیعی در سده پنجم هجری است که در جزیره حضور داشته و شاگردان زیادی به نزد او می‌آمدند. وی که اهل حله مزیدیّه بود، در جوانی به جاهای مختلف از جمله بغداد و حلب و دمشق مسافرت نموده، پس از آن همواره در شهرهای جزیره از جمله، موصل، دیاربکر، آمد، نصیبین و دیگر شهرها در حال رفت و آمد بوده و در نهایت در موصل ساکن می‌شود. از او با عنوان نحوی، لغوی و شاعر نام برده شده است. از شمیم حلّی، آثار متعددی از جمله کتاب *النکت المعجمات فی شرح المقامات*، کتاب *اری المشتار فی القریض المختار*، کتاب *الحماسه*، که سروده اوست در یک مجلد، کتاب *مناخ المنی فی ایضاح الکنی* در چهار کُرّاسه،<sup>۱</sup> کتاب *درة التأمیل فی عیون المجالس و الفصول*، در دو مجلد، به جای مانده است.<sup>۲</sup>

سعد بن احمد بن مکی نیلی، معروف به ابن مکی (م. ۵۶۵ ق / ۱۱۷۰ م)، یکی دیگر از بزرگان شیعی است که اهل نیل شهری در کنار فرات جزیره است. از او با عنوان مؤدّب،<sup>۳</sup> نحوی، عالم فاضل و شاعر یاد شده که در مدح اهل بیت به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام اشعار بسیاری سروده و نسبت به تشیع تعصب داشته، به‌گونه‌ای که او را در تشیع غالی ذکر نموده‌اند.<sup>۴</sup> حسن بن عنبس رافقی (م. ۴۸۵ ق. / ۱۰۹۲ م) از علمای منطقه رافقه در رقه، از دیگر بزرگان شیعی جزیره است که او را شیعه متعصب (غالی) ذکر کرده‌اند و در رافقه حلقه درس بزرگی داشت و مذهب امامیه را نزد او می‌آموختند.<sup>۵</sup> همچنین ابن‌صلایا، سید تاج‌الدین محمد بن نصر صلاّیا حسینی، (م. ۶۵۶ ق / ۱۲۵۸ م) از بزرگان سادات شیعی و به روایتی حاکم اربل از طرف خلیفه المستعصم عباسی (۶۴۰ - ۶۵۶ ق / ۱۲۴۲ - ۱۲۵۸ م) که به خلیفه نامه نوشت و او را از حمله مغول آگاه ساخت.<sup>۶</sup> در منابع تاریخی از ارسال نامه ابن‌علقمی شیعی، وزیر خلیفه عباسی، به ابن‌صلایا پس از واقعه کشتار شیعیان در محله کرخ بغداد در ۶۵۴ ق / ۱۲۵۶ م.<sup>۷</sup> توسط نیروهای خلیفه گزارش شده است که در آن وزیر از این واقعه شکوه کرده و از نقشه مخالفان و نزدیکان خلیفه در حمله

۱. کتاب، دفتر، نسک.

۲. ابن‌خلکان، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، ج ۳، ص ۳۳؛ حموی، *معجم الأدباء*، ج ۴، ص ۱۶۹۰ - ۱۶۸۹؛ قفطی، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، ج ۲، ص ۲۴۳؛ مدرّس تبریزی، *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب*، ج ۳، ص ۲۵۵ - ۲۵۴.

۳. ادب‌آموز، مربی و آموزنده ادب.

۴. حموی، *معجم الأدباء*، ج ۳، ص ۱۳۴۷؛ سماوی، *الطلیعة من شعراء الشيعة*، ج ۱، ص ۸۵ - ۸۴؛ امین، *أعیان الشیعه*، ج ۷، ص ۲۲۰.

۵. امین، *أعیان الشیعه*، ج ۵، ص ۲۲۱.

۶. یونینی، *ذیل مرآة الزمان*، ج ۱، ص ۳ و ۸۷.

۷. درباره این واقعه، رک: همان، ص ۸۶؛ ابن‌الوردی، *تاریخ ابن‌الوردی*، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن‌فوطی، *الحوادث الجامعة والتجارب النافعة فی المائة السابعة*، ص ۲۲۶ - ۲۲۵؛ آیتی، *تحریر تاریخ و صاف*، ج ۱، ص ۲۳.

به نیل و حله سخن گفته است.<sup>۱</sup> به روایتی، هولاکوخان مغول (۶۵۴ - ۶۶۳ ق / ۱۲۵۶ - ۱۲۶۵ م) در فتح بغداد گردن ابن صلیا را زد.<sup>۲</sup> به گزارش ابن فوطی (م. ۷۲۳ ق / ۱۳۲۳ م)، هنگامی که قصد داشت نزد هلاکوخان برود و حال خود را بیان کند، فرمان به قتلش داد و در جبال سیاه کوه کشته شد. از نگاه این مورخ، ابن صلیا مردی کریم، بخشنده، فاضل و متدین بود و نسبت به کسانی که مرتکب فساد می‌شدند یا شراب می‌خوردند سخت‌گیر بود.<sup>۳</sup>

یکی از فضلاء شیعی جزیره، علی بن احمد عمرانی موصلی (م. ۳۴۴ ق / ۹۵۵ م) بود که در ریاضیات (حساب و هندسه) و اخترشناسی مشهور بود. جویندگان دانش از راه‌های دور برای فراگرفتن دانش نزد او می‌آمدند. شرح کتاب **الجبر و المقابله** ابی کامل شجاع بن اسلم الحاسب المصری (م. ۳۱۸ ق / ۹۳۰ م) که نزد دانشمندان و علمای ریاضیات در سده‌های چهارم و پنجم هجری (۱۰ و ۱۱ م) شناخته شده بود و به‌عنوان کتاب درسی متداول بود و از آن بهره‌ها می‌بردند، از او است. از دیگر تألیفات عمرانی، کتاب **الاختیارات** و کتاب‌های دیگری در نجوم و مسائل مربوط به آن است.<sup>۴</sup> سید بن طاووس او را در شمار علمای نجوم شیعه نام برده است.<sup>۵</sup>

در برخی از شهرهای جزیره مانند موصل و نصیبین هم کسانی از بزرگان شیعی در زمره وکلای ائمه شیعی حضور داشته‌اند،<sup>۶</sup> مانند ابومحمد حسن بن علی و جناء نصیبی از خاندان و جناء در نصیبین،<sup>۷</sup> و هم خاندان‌های نقیب جهت سرپرستی سادات امامی و علویان و رسیدگی به امور آنان حضور داشتند، مانند خاندان آل ابی‌زید از فرزندان و نوادگان بنی‌عبیدالله که نسب و تبار این نقبا با چندین واسطه (که در متون ذکر شده) به حسین اصغر پسر امام علی زین‌العابدین علیه السلام می‌رسد و نقابت در خاندان آنها در موصل و نصیبین موروثی بود.<sup>۸</sup> شاخه دیگری از نقبای جزیره، فرزندان امام حسن علیه السلام بودند که نقابت علویان در

۱. ر.ک: ابن‌الوردی، **تاریخ ابن‌الوردی**، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۱۸۹؛ آیتی، **تحریر تاریخ و صاف**، ج ۱، ص ۲۴.

۲. سبکی، **طبقات الشافعیه**، ج ۸، ص ۲۷۴؛ نیز ر.ک: رشیدالدین فضل‌الله، **جامع التواریخ**، ج ۲، ص ۷۱۶.

۳. ابن فوطی، **الحوادث الجامعة** ...، ص ۲۴۱.

۴. ابن‌ندیم، **الفهرست**، ص ۳۹۴؛ قفطی، **اخبار العلماء باخيار الحكماء**، ص ۱۸۰ - ۱۷۹؛ زركلی، **الاعلام**، ج ۴، ص ۲۵۳.

۵. ابن طاووس، **فرج المهموم فی تاریخ العلماء النجوم**، ص ۱۲۷؛ شیخ آقابزرگ تهرانی، **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، ج ۱۱، ص ۴۳؛ نعمه، **فلاسفة الشیعه حیاتهم و آراؤهم**، ص ۳۳۳.

۶. ر.ک: مروزی، **الفخری فی انساب الطالبین**، ص ۱۶۷؛ ابن‌فندق، **لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب**، ص ۵۵۱.

۷. برای تفصیل آن، ر.ک: صدوق، **کمال‌الدین و تمام‌النعمه**، ج ۲، ص ۴۴۳ - ۴۹۱؛ طوسی، **کتاب‌الغیبه**، ص ۲۲۷ و ۴۴۰.

۸. ر.ک: ابن فوطی، **مجمع الآداب فی معجم الألقاب**، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ج ۴، ص ۵۱۳؛ ابن طقطقی، **الأصیلی فی انساب الطالبین**، ص ۲۹۲؛ ابن‌عنبه، **الفصول الفخریه**، ۱۷۸؛ ابن‌عنبه، **عمدة الطالب فی أنساب آل ابی‌طالب**، ص ۳۰۱؛ شرف‌الدین، **مع موسوعات رجال الشیعه**، ج ۳، ص ۴۹۲ - ۴۹۱؛ رجایی موسوی، **الکواکب المشرقة فی أنساب و تاریخ و تراجم الأسرة العلویة الزاهرة**، ج ۳، ص ۲۷۳؛ امین، **امیان الشیعه**، ج ۸، ص ۲۸۸.

شهرهای نصیبین و میافارقین را برعهده داشتند.<sup>۱</sup> چون بحث درباره آنها در حوصله این مقال نمی‌گنجد به همین اشاره بسنده می‌شود.

## ۲. شاعران شیعی جزیره

افزون بر عالمان دینی، شاعران شیعی جزیره نیز در رونق فرهنگی این ایالت مؤثر بوده‌اند که نام تنی چند از آنان برجسته است. زیدبن مرزگه موصلی، شاعر، ادیب و نحوی شیعی بود. مرزگه منتسب به یکی از قراء موصل به نام عین‌سعی بود. از او مرثیه‌ای در رثای امام حسین علیه السلام (ش ۶۰ ق / ۶۸۰ م) ذکر شده است.<sup>۲</sup> زمان زندگی ابن مرزکه معین نیست. از دیگر شاعران شیعی جزیره، محمد بن احمد بن حمدان، مکنّی به ابوبکر و معروف به خباز بلدی اهل بلده، شهری از شهرهای جزیره نزدیک موصل بوده است. ابن‌حمدان با آنکه اُمّی (بی‌سواد) بود، شعر نیکو می‌سرود و با آنکه بهره‌ای از دانش نداشت، شعرش از ظرایف و لطایف ادبی خالی نبود. خباز بلدی، حافظ قرآن بود و در اشعارش، آیاتی از قرآن را تضمین می‌نمود؛ به‌ویژه آنجا که عقیده تشیع خود را در اشعارش اظهار می‌کند.<sup>۳</sup> ابن‌ندیم می‌گوید: خالدیان در موصل شعر او را جمع کردند، نزدیک سیصد ورق است.<sup>۴</sup> بلدی همیشه در گردش بود و مانند بسیاری از دیگر شاعران جزیره، شهر خود را به قصد دربار سیف‌الدوله حمدانی (۳۳۳ - ۳۵۶ ق / ۹۴۴ - ۹۶۷ م) ترک می‌کند و آنجا از بخشش و کرم او بهره می‌برد. گویا پیش از وفاتش اشعار او جمع‌آوری گردید.<sup>۵</sup> شیخ حر عاملی و شیخ عباس قمی بر پایه مطالب ثعالبی، خباز بلدی را عالم فاضل شاعر ادیب و در فهرست عالمان شیعی نام برده‌اند.<sup>۶</sup>

از دیگر شاعران شیعی مذهب جزیره، منصور بن سلمه بن زبرقان نمری (م. ۱۹۰ یا ۱۹۳ ق / ۸۰۹ م) است. زادگاه و مسکن او، شهر رأس‌العین در جزیره بود. نمری را از بزرگان شعرای محدثین شمرده‌اند. شعر او روان، سهل و ممتنع و همه‌اش زیباست؛ گرچه به کُندی شعر می‌سرود، ولی شعرش پاکیزه و

۱. ر.ک: رجایی موسوی، *الکواکب المشرقة* ...، ج ۳، ص ۱۸۶ و ۱۸۸؛ ابن‌فندق، *لباب الأنساب والألقاب والأعقاب*، ص ۵۵۴ - ۵۵۱؛ ابن‌عنبه، *عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب*، ص ۱۵۱ - ۱۴۹.

۲. حموی، *معجم الادباء*، ج ۳، ص ۱۳۳۸؛ صفدی، *کتاب الوافی بالوفیات*، ج ۱۵، ش ۴۶۴۱، ص ۳۷؛ مدرّس تبریزی، *ریحانه الادب* ...، ج ۵، ص ۲۸۳.

۳. ثعالبی، *تیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*، ج ۲، ص ۲۴۶ - ۲۴۴.

۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۴۰.

۵. همان، ص ۲۴۰.

۶. حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۲، ص ۲۳۹ - ۲۳۸؛ قمی، *الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه*، ج ۲، ص ۶۲۹.

شیرین بود. کلثوم بن عمرو عتابی استاد نمری، او را به فضل بن یحیی معرفی نمود. فضل، نمری را به دربار هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۳ ق / ۷۸۶ - ۸۰۹ م) معرفی کرد. بنابراین، از جزیره به دربار احضار شد و در دربار هارون الرشید قرب و منزلتی یافت، او را مدح می‌گفت و از صله و عطایایش بهره‌مند می‌شد. نمری به تقیه رفتار می‌کرد؛ یعنی نزد هارون الرشید چنین وانمود می‌کرد که از دوستانان عباسی‌هاست و میانه‌اش با شیعه علوی خوب نیست؛ اما گرچه در ظاهر از خواص هارون الرشید بود، ولی در باطن از دوستان اهل بیت علیهم‌السلام به‌شمار می‌رفت و شعر او در مدح هارون نیز از روی تقیه و خوف سروده شده است. نمری بعدها بغداد را ترک و به رقه در جزیره رفت و تا پایان عمر در آنجا زیست؛ زیرا بدخواهان و کینه‌توزان، به‌ویژه استادش عتابی، نزد هارون اسرار او را فاش نموده و پرده از تشیع و محبت بسیارش به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برداشتند و خشم هارون را بر وی برانگیختند. به دنبال آن هارون دستور داد که هر جا نمری را یافتند دست و زبانش را قطع کنند و سپس گردنش را بزنند؛ اما پیش از اجرای حکم خلیفه، منصور نمری با مرگ طبیعی از دنیا رفته بود.<sup>۱</sup> یاقوت در مؤلفات احمد بن ابی‌طاهر از کتاب **اختیار** شعر منصور النمری نام برده است.<sup>۲</sup> ابن‌ندیم شعر او را در صد ورق<sup>۳</sup> که هر ورق بیست سطر داشته ذکر کرده است.<sup>۴</sup>

از امیر ابوالفتح حسین بن عبدالله بن احمد بن عبدالجبار، معروف به ابن‌ابی‌حصینه معری، نیز باید یاد کرد. ادیب و شاعری که زادگاهش مشخص نیست؛ اما به قرائتی اهل جزیره است. او در سال ۴۵۷ ق / ۱۰۶۵ م. در سروج (از مناطق جزیره) درگذشته است.<sup>۵</sup> معری مدت زمان زیادی در خدمت حاکمان شیعی مذهب بنی‌مرداس<sup>۶</sup> بود و همین امر سبب ترقی جایگاه او گردیده است، چنان‌که از طرف امیر تاج‌الدوله بن مرداس در ۴۳۷ ق / ۱۰۴۵ م. به سفارت نزد مستنصر (۴۲۷ - ۴۸۷ ق / ۱۰۳۶ - ۱۰۹۴ م) خلیفه فاطمی فرستاده شد. در آنجا مدتی در خدمت فاطمیان (۲۹۷ - ۵۶۷ ق / ۹۰۹ - ۱۱۷۱ م) بود و در چند قصیده مختلف، مستنصر را ستایش کرد. مستنصر او را به امارت وعده داد و این وعده را در سال ۴۵۱ ق / ۱۰۵۹ م. برآورده ساخت. افزون بر این، به دربار حاکمان شیعی مذهب بنی‌عقیل در جزیره نیز راه یافت و قریش بن بدران بن مقلد (۴۴۳ - ۴۵۳ ق / ۱۰۵۲ - ۱۰۶۱ م) را مدح گفته و همچنین

۱. ابن‌معتز عباسی، **طبقات الشعراء**، ص ۲۴۴ - ۲۴۱؛ سمعانی، **الانساب**، ج ۱۳، ص ۱۸۳ - ۱۷۹؛ کحاله، **معجم المؤلفین**، ج ۱۳، ص ۱۴ - ۱۳؛ امین، **اعیان الشیعه**، ج ۱۰، ص ۱۴۰ - ۱۳۸؛ شوشتری، **مجالس المؤمنین**، ج ۲، ص ۵۵ - ۵۳.

۲. حموی، **معجم الادباء**، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ابن‌ندیم، **الفهرست**، ص ۲۱۰.

۳. ابن‌ندیم، **همان**، ص ۲۳۲.

۴. امین، **اعیان الشیعه**، ج ۱۰، ص ۱۸۳.

۵. حموی، **معجم الادباء**، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

۶. مرداسیان یا آل مرداس در شمال و مرکز شام، به‌ویژه در حلب، ۴۷۲ - ۴۲۵ ق / ۱۰۸۹ - ۱۰۲۴ (باسورث، **سلسله‌های اسلامی جدید**، ص ۱۴۴ - ۱۴۳).

مرثیه‌ای در مرگ معتمدالدوله قرواش بن مقلد بن مُسیب عقیلی (۳۹۱ - ۴۴۲ ق / ۱۰۰۱ - ۱۰۵۰ م) صاحب موصل سروده است.<sup>۱</sup> اگرچه منابع به صراحت از مذهب او سخن نگفته‌اند؛ اما با توجه به شواهد موجود، حضور مداوم در دربارهای حاکمان شیعی، ستایش‌های او از این حاکمان در اشعار خود و دریافت خلعت‌ها و امارت از سوی آنان، به‌ویژه مستنصر فاطمی، می‌توان به شیعه بودن او رأی داد.

طاهر یا ظاهر بن عدیم جزری، اهل جزیره ابن‌عمر، شاعری محبوب با بیانی شیرین و ساده بود و سیف‌الدوله حمدانی و عضدالدوله بویه را مدح کرده است؛ این قرینه‌ای است برای شیعی فرض کردن او. ابوسعید محمد بن ابی‌القاسم الحسین بن علی بن عبدالرحیم البغدادی، زاده ۳۸۷ ق / ۹۹۷ م، مقیم جزیره ابن‌عمر و همان‌جا وفات یافت. او در علم حساب صاحب‌نظر بوده و به مجالس علما می‌رفت و به استماع حدیث می‌پرداخت. کتابی در اخبار شعرا تصنیف کرد و اشعار خوبی هم سرود. او چندین بار وزارت جلال‌الدوله بن بهاء‌الدله بویه را برعهده داشت.<sup>۲</sup> حضور در دستگاه آل‌بویه می‌تواند نشانگر تمایلات شیعی او باشد.

نکته‌ای که شناخت و معرفی بزرگان شیعی جزیره را با مشکل روبه‌رو ساخته، عدم اشاره منابع به مذهب بسیاری از این رجال است و تنها با نگاهی جست‌وجوگرانه در سایر منابع و یا از روی نشانه‌هایی همچون در خدمت سلاطین و استادان شیعی بودن می‌توان به عقیده شیعی آنها پی برد.

### چرایی نضج نیافتن مکتب خاص شیعی در جزیره

نکته قابل تأمل در ارتباط با وضعیت علمی و فرهنگی شیعیان جزیره آن است که چرا با وجود حکومت‌های قدرتمند شیعی همچون بنی‌حمدان و بنی‌عقیل و همچنین جمعیت شیعی، سادات، عالمان، شاعران و محدثان شیعی در جزیره، که به برخی از آنها هم اشاره شد، شاهد شکل‌گیری یک کانون مهم علمی و فرهنگی شیعی و یا مکتب خاص شیعی به نام شهرهای جزیره که ویژگی خاص خود را داشته و آن را از دیگر مناطق متمایز کند، آن‌گونه که سایر سرزمین‌های اسلامی مانند کوفه، حله، قم و دیگر جاها، به دارا بودن مکتبی خاص خود شهره‌اند، نیستیم؟ این در حالی است که جویندگان دانش از جاهای مختلف جهت شرکت در کلاس درس عالمان و فقیهانی که در شهرهای مختلف جزیره بودند، حضور می‌یافتند. با این وجود، جزیره در حوزه‌های مهم فعالیت‌های فرهنگی شیعی نقشی نتوانست ایفا کند، حتی میان شهرهای ایالت جزیره و شهرهای مهم شیعی نظیر کوفه، حله و حتی قم هیچ مناسبات

۱. همان، ص ۱۱۲۸ - ۱۱۱۸.

۲. درباره این دو شخص، ر.ک: غندور، *تاریخ جزیره ابن‌عمر*، ص ۲۸۸؛ علی، *تاریخ الحركة العلمية والفكرية و ابرز اعلامها فی مدن الجزيرة الفراتية فی تركيا*، ص ۴۵۶.



فرهنگی دامنه‌دار و مهمی شکل نگرفت. برای پاسخ‌گویی به مسئله عدم شکل‌گیری مکتب خاص شیعی در جزیره، دو موضوع بیش از هر چیز تأثیرگذار بوده است: ۱. عملکرد و شرایط ناموران و بزرگان دانش‌های شیعی در منطقه یا همان عالمان شیعی؛ ۲. عملکرد دولت‌های مختلف شیعی و سنی که قدرت را در دست داشتند. برای تبیین این موضوع، عوامل عدم شکل‌گیری مکتب فکری خاص شیعی در جزیره در چند محور دسته‌بندی می‌شود.

## عوامل سیاسی

### ۱. مرزی بودن اقلیم جزیره

اینکه اقلیم جزیره از آغاز فتوحات اسلامی به عنوان ثغر اسلامی به‌شمار می‌آمده و مقدسی درباره‌اش گفته «ان هذه البلاد ثغر من ثغور المسلمين و معقل من معقلهم»<sup>۱</sup> و بعد هم در مجاورت امپراتوری بیزانس، برخی از شهرهای آن از ثغور اسلامی بوده<sup>۲</sup> و شاهد حملات رومیان و جنگ‌های داخلی حکومت‌های مختلف بوده، خود در ناپایداری اوضاع جزیره و عدم شکل‌گیری حرکت‌های گسترده علمی و فکری تأثیر داشته که این امر بر فعالیت شیعیان نیز بی‌تأثیر نبوده است. این وضعیت مرزی بودن، دفاع در برابر تهاجمات بیزانس و حفظ موقعیت سیاسی را برای حکومت‌های وقت و حکومت‌هایی که شیعی بودند، مانند حمدانی‌های موصل، ضروری می‌ساخت و تکاپوهای نظامی فرصت چندانی برای پرداختن به فعالیت‌های فکری و فرهنگی برای آنها فراهم نمی‌کرد.

### ۲. فعالیت‌های بازدارنده حکام و عالمان سنی

عامل دیگری که بر فعالیت عالمان شیعی تأثیر می‌گذاشت، فعالیت‌های سنی‌گرایانه و ضد شیعی در منطقه جزیره از سوی حکومت‌های زنگیان و ایوبیان در سده‌های پنجم و ششم هجری بوده است. روی کار آمدن این حکومت‌ها و اضطرابات سیاسی ناشی از آنها، بی‌گمان بر عدم حضور دائمی استادان شیعی تأثیرگذار بوده است؛ چرا که این حکومت‌ها پس از ورود به منطقه، تمام بنیان‌های شیعی را از بین می‌بردند و در جهت تقویت مذهب اهل سنت تلاش می‌کردند. آنها با تأسیس مدارس سنی، حمایت از عالمان و فقهیان اهل سنت و به‌کارگیری آنها در امور دولتی، به پیشبرد هر چه بیشتر مذهب تسنن و فعالیت عالمان این مذهب کمک می‌نمودند و زمینه حضور و فعالیت عالمان شیعی را می‌کاستند. نورالدین

۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۳۶.

۲. الحارثی، الاوضاع الحضاریه فی اقلیم الجزیره الفراتیه فی القرنین السادس و السابع الهجری، ص ۴۶۰. برای آگاهی از نواحی ثغور جزیره، ر.ک: خطاب، بلاد الجزیره قبل الفتح الاسلامی و فی ایامه، جزء ۱، ص ۴۸ - ۴۳.

محمود بن زنگی ملک العادل (۵۴۱ - ۵۶۹ ق / ۱۱۴۷ - ۱۱۷۴ م) پس از در اختیار گرفتن جزیره، برای حمایت از اهل سنت، مدارس زیادی برای تدریس مبانی و معارف مذهب تسنن در شام و شهرهای جزیره از جمله منبج و رحبه ساخت و استادان برجسته‌ای همچون شیخ شرف‌الدین بن ابی‌عصرون فقیه شافعی را به آنجا آورد<sup>۱</sup> و بعدها او را به منصب قضاوت در سنجار و نصیبین و حران نیز برگزید.<sup>۲</sup> همچنین مساجد بسیاری برای سنیان در جزیره بنا کرد، از جمله مسجد نوری در شهر موصل که آن را به اندازه کافی مرتب کرد، مسجدی بر نهر العاصی در حماة، مسجد الرها و مسجد منبج.<sup>۳</sup> صلاح‌الدین ایوبی (۵۶۴ - ۵۸۹ ق / ۱۱۶۹ - ۱۱۹۳ م) و جانشینانش نیز از جمله کسانی بودند که در این منطقه با تشیع مبارزه و ضرباتی را به این مذهب وارد کردند و از دامنه حضور و نفوذ آن کاستند.<sup>۴</sup> اتابک اقلیم جزیره از زنگیان و اُرتُقیان (اُرتُقه، اُرتُقیه) (۴۹۴ - ۸۱۲ ق / ۱۱۰۱ - ۱۴۰۹ م) دیار بکر<sup>۵</sup> و ایوبیان و اتباع آنها در سده ۶ و ۷ ق به حیات فرهنگی در مناطق خود اهتمام زیادی داشتند. شاهان ارتقی علاقه زیادی به علم و اهل علم نشان داده و برای آنها احترام قائل بودند. این شاهان اموال زیادی در این راه خرج کردند و عالم و شاعر و فقیه را به خود نزدیک گردانند و منزلت دادند و اگر آنها را باتجربه و صالح می‌یافتند منصب و مستمری می‌دادند.<sup>۶</sup>

این حکومت‌ها مؤسسات علمی دینی و دنیوی از مدارس، مکتب‌ها، مساجد، زوایا، رباط‌ها، خانقاه‌ها و بیمارستان‌ها، برای دفاع و تقویت مذهب سنی به‌ویژه مذاهب حنفی و شافعی برپا کردند و از اسلاف خود سلاطین سلجوقی پیروی نمودند. اوقاف بزرگی را نیز وقف این مؤسسات کردند. بنابراین، جو مناسبی برای اقامت استادان و طلاب علوم در دیار ایشان فراهم شد. تعداد زیادی از پزشکان، علما و فقها به مناطق آنها آمدند و برای ایشان حقوق و مستمری قرار داده شد، چنان‌که بسیاری از این علما و فقها در مناصب بالای دینی، اداری و قضایی اشتغال پیدا کردند.<sup>۷</sup> به لحاظ اهمیت بزرگان حوزه دین و دانش جزیره، شرح حال آنها در شاخه تسنن به متون تاریخی و رجالی راه یافت. الازدی (م. ۳۳۴ ق / ۹۴۵ م) در تاریخ موصل در ذیل حوادث سنوات مختلف، از درگذشت محدثان و عالمان بسیاری از اهل سنت یاد

۱. ابن‌خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۵، ص ۱۸۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۵۸.

۴. مظفر، *تاریخ الشیعه*، ص ۱۱۰.

۵. درباره امرای اُرتُقی ترک دیار بکر و شاخه‌های آن، ر.ک: باسورث، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ص ۳۷۹ - ۳۷۶.

۶. شمیسانی، *مدینه ماردین من الفتح العربی الی سنه ۱۵۱۵ م / ۹۲۱ ق*، ص ۳۷۱؛ علی، *تاریخ الحرکه العلمیه و الفکریه*، ص ۴۴۱ - ۴۴۰.

۷. الحارثی، *الأوضاع الحضاریه* ...، ص ۲۶۳؛ شمیسانی، *مدینه ماردین* ...، ص ۳۷۱.

کرده که نشان می‌دهد شمار این نوع عالمان دین در این ناحیه فراوان بوده، به گونه‌ای که ذکر وفیات آنها مورد توجه مورخان قرار گرفته است.<sup>۱</sup> براساس گزارش‌های این متون، در پژوهشی، فهرست بلندی از عالمان رشته‌های مختلف علمی جزیره با شرح حال و آثار و خدمات آنها ارائه شده که همگی از مذاهب مختلف سنی بوده و هیچ نشانه‌ای از اندیشمندان شیعی در آن نیست. در این فهرست در لغت و ادب: ۱۱ عالم نحو، ۸ لغوی، ادبا و شعرا ۱۶ نفر، ادبای آرامی ۴ نفر، موسیقی و الحان ۴ نفر؛ در علوم شرعی: قرائت و تفسیر ۱۴ نفر غالباً حنبلی، حدیث ۴ نفر، فقه ۱۶ نفر بیشتر شافعی و حنبلی؛ تاریخ ۱۰ مورخ برجسته، جغرافیا ۳ نفر؛ علوم عقلی (ریاضیات، هندسه، حساب، هیأت، شیمی، طبیعی = فیزیک، مریا، مکانیک و فلسفه) ۱۷ نفر با ذکر مصنفات و شرح حال آنها.<sup>۲</sup> این عالمان مدارس تأسیس می‌کردند یا تولیت مدارس را عهده‌دار بودند، تدریس، خطبه و وعظ می‌کردند، شاگرد تربیت می‌کردند و به تألیف و تصنیف کتاب می‌پرداختند. خطاطان و خوش‌نویسان، تذهیب‌گران، نقاشان و نساخان مشهور کتاب که به تجلید، تذهیب، خطاطی، نقاشی و نساخی کتب در خزانه‌های کتب جزیره می‌پرداخته‌اند، اسامی ۷ تن از این هنرمندان با پسوند موصلی ذکر شده است.<sup>۳</sup>

در پژوهشی دیگر، درباره حرکت علمی و فکری در جزیره، در شهرهای ماردین، آمد، نصیبین، میافارقین و جزیره ابن عمر، ۵۷ عالم دینی و ۳۲ مورخ و لغوی و شاعر با شرح حال مختصر و آثار آنها شماره شده است.<sup>۴</sup> یکی از شهرهای جزیره، جزیره ابن عمر، خود از مراکز علمی و فرهنگی در تمدن اسلامی بود و عالمان بسیاری به این شهر منسوب‌اند و اغلب کسانی که با نسبت جزری شناخته شده‌اند، از این شهر برخاسته‌اند؛ به‌ویژه در زمان آل زنگی و ایوبیان (سده‌های ۶ و ۷ ق / ۱۲ و ۱۳ م) بر اثر تشویق و حمایت این دودمان‌ها، خاندان‌هایی برجسته از علما سر برآوردند.<sup>۵</sup> درباره علمای رشته‌های مختلف منسوب به جزیره ابن عمر که همه سنی هستند، فهرستی ۴۴ نفره ارائه شده است.<sup>۶</sup> به همین نحو در پژوهشی دیگر، درباره علوم و ادب مراکز علمی دیار بکر و دیار مضر جزیره، ۱۹ شاعر، در نشر ۲ نفر، صرف و نحو ۴ نفر، علوم لغوی ۲ نفر، علوم بلاغی ۱ نفر، علوم اسلامی (فقه و حدیث) ۶ نفر، علوم

۱. الازدی، *تاریخ الموصل*، ذیل سنوات رویدادها. برای نمونه ص ۵۸۵، ۶۹۳، ۶۹۵ و ۶۰۷ و ... .

۲. ر.ک: الحارثی، *الاضاع الحضاریه* ...، ص ۳۹۹ - ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۳۵ - ۲۳۲.

۴. علی، *تاریخ الحرکه العلمیه و الفکریه*، ص ۴۶۰ - ۴۴۱.

۵. غندور، *تاریخ جزیره ابن عمر*، ص ۲۷۷ - ۲۷۳؛ ناجی، *جزیره ابن عمر*، ص ۲۹.

۶. علی، *تاریخ العلماء المنسوبین الی جزیره ابن عمر*، ص ۵ - ۴. برای آگاهی از علما و بزرگان این شهر، ر.ک: غندور،

*تاریخ جزیره ابن عمر*، ص ۲۹۶ - ۲۷۸.

تاریخی ۳ نفر، علوم خطابی ۱ نفر و علوم عقلی (ریاضیات، هیئت و نجوم) ۴ نفر معرفی شده‌اند.<sup>۱</sup> البته این پژوهش‌ها هم‌پوشانی موضوعی دارند. بنابراین، نداشتن مجالس درس رسمی علمای شیعه در جزیره را می‌توان در پرتو اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جزیره تبیین کرد و اینکه نه تنها از این موضوع استقبال و حمایت نمی‌شده است، بلکه در این زمینه مخالفت‌های جدی نیز وجود داشته و همین امر از علل عدم شکل‌گیری مجالس رسمی بوده است.

### ۳. ضعف عملکردی حکام شیعی جزیره در حمایت کافی و پیوسته از فعالیت‌های فکری شیعی

حکام شیعی جزیره کارنامه درخشانی در جهت حمایت و تشویق عالمان شیعی در جزیره ندارند. با وجود اینکه گفته شده دولت‌ها و حاکمان شیعی جزیره هر کدام در دوره زمانی خود تلاش‌هایی در جهت رشد و اعتلای علمی و فرهنگی و تمدنی این منطقه داشته‌اند و حمایت و تشویق آنها در این زمینه عامل مؤثری بوده است، اما این عملکرد در همه دوره‌ها و حکومت‌ها و در نزد همه حاکمان به صورت یکسان و گسترده نبوده است. البته نوع عملکرد و برخورد حاکمان شیعی جزیره، یعنی حمدانیان و بنی‌عقیل، از این جهت قابل ذکر است که این حکومت‌ها، به‌ویژه حمدانیان موصل، در متون در چهره جنگاوران نظامی و امرای سیاسی نامورند و بیشتر به عنوان دولتی که در مناطق مختلف جزیره حکومت خود را مستقر ساختند و مرزها را در برابر حملات رومیان (بیزانس) حفظ می‌نمودند، شناخته می‌شوند. چنانچه شخص ناصرالدوله حمدانی (۳۱۷ - ۳۵۶ ق / ۹۲۹ - ۹۶۷ م) از کودکی به امور سیاسی و فنون جنگ پرداخته بود. در دوران حکومت پدرش نیز ولایت شهرها را برعهده داشت و در دوران ریاست خود بیش از هر چیز می‌کوشید با خشنود کردن خلفا و وزرا، موقعیت خود را حفظ کند. طبیعی است که چنین حاکمانی بیش از هر چیزی به فکر حفظ موقعیت و جایگاه سیاسی خود باشند و مصلحت‌های نظامی و سیاسی سران این حکومت‌ها فرصتی در جهت تقویت و رشد و گسترش تفکرات شیعی به آنها نمی‌داده است. در طی حکومت شیعی خاندان بنی‌عقیل نیز به طور مکرر شاهد هستیم که حاکمان آنها حفظ مصالح سیاسی خود را بر هر چیزی ترجیح می‌دادند و تغییر و چرخش موضع‌گیری و خطبه‌خوانی آنها از فاطمیان شیعی به عباسیان سنی و یا برعکس، بارها از سوی آنها تکرار می‌شد. آنان همچنین به صورت مداوم با مدعیان و رقیبان داخلی درگیر بودند.

یادآوری این نکته ضروری است که ذکر این مطالب درباره حکام شیعی جزیره به معنای عدم حمایت

---

۱. ظهیری، شعله، نقش مراکز علمی جزیره در پیشبرد علوم و ادب عربی عصر عباسی (مطالعه موردی دیار بکر و

دیار مضر)، ص ۲۰۷ - ۱۹۴.

کامل آنها از تشیع نیست، بلکه حاکمان شیعی‌مذهب به زنده نگه داشتن نام و یاد ائمه علوی و منسوبان به آنها بیشترین توجه را داشتند؛ از جمله آرامگاه‌ها و زیارتگاهایی که در موصل هست، دست‌کم بعضی به دوره حمدانی برمی‌گردد. این مقابر که البته واقعی بودن آنها محل تردید است، ظاهراً زیارتگاه‌هایی بوده‌اند که برای تبرک ساخته شده و نتیجه پیوند عمیق مردم به ائمه شیعی بوده است.<sup>۱</sup> از سویی ناپایدار بودن حکومت‌های شیعی در جزیره و کوتاهی حیات سیاسی آنها و سیطره بیشتر حکومت‌های سنی (خلافت عباسی، زنگیان، ایوبیان، سلجوقیان، ارتقیان و غیره)، به تفوق مذهب تسنن و ضعف دامنه فرهنگی تشیع در جزیره انجامید.

#### ۴. ضعف حضور شیعیان در دیوان‌سالاری حکومت‌های جزیره

یکی از جنبه‌های سیاسی ایالت جزیره که می‌توانست برای فعالیت‌های فرهنگی شیعیان حائز اهمیت باشد، حضور وزرایی با علایق شیعی در دیوان‌سالاری حکومت‌ها و تلاش آنها برای فرهنگ تشیع است. مطالب مربوط به دیوان‌سالاری ایالت جزیره را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول مطالبی در باب کارگزاری با گرایش‌های شیعی که پیش از شکل‌گیری حکومت‌های محلی در ایالت جزیره بر رأس کار بوده و اقدامات احتمالی در زمینه ترویج تشیع انجام داده‌اند؛ دسته دوم مطالب به حکومت‌های محلی در منطقه باز می‌گردد که شامل آل مروان یا مروانیان دیاربکر (۳۷۲ - ۴۸۹ ق / ۹۸۳ - ۱۰۸۵ م)، آل حمدان، عقیلیان و مرداسیان یا آل مرداس (۴۱۵ - ۴۷۲ ق / ۱۰۲۴ - ۱۰۸۰ م) می‌شود و برخی از آنها داعیه‌های حمایت از تشیع را داشته‌اند؛ دسته سوم مباحث نیز به دستگاه دیوان‌سالاری بزرگ‌تر سلسله‌های زنگی و ایوبی و سلسله‌های کوچک‌تر منطقه در سده‌های ششم و هفتم تا سقوط خلافت عباسی بازمی‌گردد. در باب سلسله‌های کوچک پس از ایوبیان نیز داده‌های چندانی در زمینه دیوان‌سالاری و حضور عناصر شیعی در آنها در دست نداریم. وزرای شیعی و خلفای با تمایل شیعی در بغداد نیز اقدامی در زمینه گسترش تشیع در ایالت جزیره انجام نداده‌اند و از وزرای شیعی در زمان آل بویه و وزرای شیعی متأخر عباسی نیز هیچ مطلبی در این زمینه در دست نیست.

با توجه به اینکه بیشتر مردم اهل جزیره پیرو اهل سنت از مذاهب حنفی، شافعی و سپس حنبلی بودند، بیشتر عالمان حدیث و راویان و شاعران و دارندگان دانش، که منابع از آنها نام برده‌اند، از اهل سنت، به‌ویژه شافعی و حنفی، بوده‌اند. به سبب همین غلبه جمعیتی، حتی حاکمان شیعی همچون حمدانیان نیز قضاات را از اهل سنت قرار می‌دادند؛<sup>۲</sup> اما در باب اینکه دستگاه قضای ایالت جزیره تا چه

۱. سامر، *الدولة الحمدانية في الموصل و حلب*، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲. ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۲۹ - ۲۲۸.



اندازه زمینه را برای استقرار قضات شیعی باز کرده بود و چرایی عدم استفاده از قضات شیعی، چند احتمال را می‌توان ارائه کرد: نخست آنکه بیشتر جمعیت جزیره سنی بوده و امکان نداشته که قاضی شیعی روی کار بیاید؛ دیگر آنکه لزوم قضاوت قضات شیعی، زمینه‌های فقهی شیعی لازم داشت و چنین امری در جغرافیای جزیره مقدور نبود و از بیرون از ایالت جزیره نیز افرادی برای به عهده گرفتن چنین مقام‌هایی فراخوانده نمی‌شدند. از این رو، حتی نمی‌توان گفت که قضات احتمالی شیعی باید بیرون از جزیره تربیت می‌شده و در جزیره مستقر شوند یا اینکه خود ایالت جزیره چنین امکانی برای پروراندن قضات شیعی داشته است.

## عوامل فرهنگی

### ۱. تنوع ادیان و مذاهب در جزیره

شهرهای جزیره هیچ کدام شیعه‌نشین کامل در طراز برخی شهرهای عراق، لبنان، قم و برخی از شهرهای ایران نبود و در حکومت‌های شیعی نیز غلبه جمعیتی جزیره با تشیع نبود. به لحاظ دینی، در جزیره جمعیت‌های مسلمان (تسنن با مذاهب شافعی، حنفی و حنبلی + تشیع و تصوف)، یهود، نصارا (نسطوریان و یعقوبیان) و صابئین حضور داشتند.<sup>۱</sup> در شهری مانند جزیره ابن عمر، به‌جز مسلمانان اهل سنت که بیشتر ساکنان شهر را تشکیل می‌دادند، گروه‌های مذهبی دیگری همچون شیعیان، یزیدی‌ها، ترکان شبک یا شاباک، مسیحیان و یهودی‌ها از عناصر جمعیت شهر بودند.<sup>۲</sup> اشاره به این نکته ضروری است که پس از فتوحات اسلامی، تغییرات مختلفی در جزیره رخ داد. به لحاظ جمعیتی، غلبه ساکنان جزیره با عنصر عرب شد. به‌رغم سکونت برخی قبایل عرب در جزیره پیش از اسلام، بیشتر پس از اسلام و در جریان فتوحات وارد جزیره شدند<sup>۳</sup> و غلبه پیدا کردند. تغییر دیگر در زمینه زبانی و فرهنگی رخ داد. با غلبه عنصر عربی، زبان عربی و فرهنگ اسلامی بر عناصر پیشین (آشوری و آرامی) غلبه یافت و زبان عربی، زبان فرهنگ و علم و دین شد و در رقابت با زبان‌های آرامی و فارسی برتری پیدا کرد؛ چنان‌که به لحاظ دینی، دین اسلام در رقابت با مسیحیت، یهودیت، مجوس و صابئه، برتری یافت. نتیجه چنین

۱. محمد، *الاحوال الاجتماعیه و الاقتصادیه فی بلاد الجزیره الفراتیه*، ص ۶۵ - ۶۴، ۱۲۲ - ۹۹: الحارثی، *الوضاع الحضاریه ...*، ص ۵۳، ۴۹۵ - ۴۷۹.

۲. غندور، *تاریخ جزیره ابن عمر*، ص ۲۳۸ - ۲۳۰؛ ناجی، *جزیره ابن عمر*، ص ۲۹.

۳. درباره هجرت قبایل عرب به جزیره، رک: زوید و همکاران، *هجرة القبائل العربیه الی الجزیره الفراتیه من الفتح الاسلامی حتی نهائیه العصر الاموی*، ص ۱۱۲ - ۱۰۳. برای آگاهی از فتح جزیره در مصادر اسلامی و سریانی، رک: اسماعیل، *الفتح الاسلامی لبلاد الجزیره الفراتیه و استنطاق النصوص التاریخیه*؛ خطاب، *بلاد الجزیره قبل الفتح الاسلامی و فی ایامه*.

رقابتی، ظهور تمدن بزرگ اسلامی در بخش‌های مختلف جزیره مانند شهرهای: موصل، نصیبین، میافارقین، الرها، الرقه، ماردین، آمد، اربل و دیگر شهرها بود. این شهرها به مراکز فرهنگی تبدیل شدند و نقش عمده‌ای در حیات فکری جزیره داشتند. همچنین مدارس، رباطات، خانقاه‌ها، جوامع، تکایا و حلقه‌های درس پدید آمد و تعداد زیادی از مردم مشغول درس و دانش شدند. در نتیجه، علما و فقها در رشته‌های مختلف علمی مانند لغت عربی، قرآن، حدیث و علوم عقلی مانند ریاضیات، نجوم، هندسه، جبر، شیمی و حساب سرآمد شدند.<sup>۱</sup> بخشی از این حرکت علمی و فکری جزیره در اثر مساعی حکام دولتهایی مانند عباسیان، حمدانیان، بویهیان، سلاجقه و در ادامه آنها ارتقیان و ترکمان بود که بر جزیره حاکم شدند و جماعات زیادی از اهل علم و دین پدید آمدند.

هر کدام از گروه‌های مذهبی بر حسب توانایی‌های مالی و اقتصادی، حمایت‌های سیاسی، نخبگان فکری و علمی و تأسیسات و نهادهای آموزشی، به تقویت و گسترش اندیشه دینی خود می‌پرداخت. طبیعی است حوزه جمعیتی و امکاناتی اسلام سنی و مسیحیت در جزیره بیشتر بود و نمادهای دینی و علمی آنها نیز نمایان‌تر و مورد توجه نویسندگان آثار قرار گرفته است. در نواحی جزیره، جوامع (مساجد جامعه، جمعه) و مساجد (خمس، صلاتیه) بسیاری وجود داشت که افزون بر محل عبادت و نماز و شعائر دینی، به‌عنوان مراکز تعلیمی مردم برای فراگیری دانش‌های آن عصر نیز استفاده می‌شد.<sup>۲</sup> کنیسه‌های اهل ذمه، نصارا و یهود، نیز در این شهرها برپا بود.<sup>۳</sup> ناصر خسرو در مسیر خود از جزیره در سال ۴۳۸ ق، از دو مسجد جامع میافارقین و مسجد جامع آمد که زیبا و نیکو بوده‌اند و کلیسای بزرگ و باشکوه نزدیک جامع آمد سخن گفته است.<sup>۴</sup> در سده ششم هجری، موصل دارای ۳۵ جامع، ۴۰۰ مسجد، ۲۸ مدرسه، ۱۸۰ دارالحدیث و ۲۷ خانقاه صوفیه بوده است.<sup>۵</sup> ۵۸ کلیسای مسیحیان و ۱۶ کنیسه یهودیان نیز در آن وجود داشته است.<sup>۶</sup> با تسامح دینی که موجود بود، در موصل اهل ذمه، نصارا و یهود، تورات و انجیل را نزد ابوالفتح کمال‌الدین بن یونس (۶۳۷ ق / ۱۲۳۹ م) که یکی از علمای برجسته بود می‌خواندند. او این دو کتاب را برای آنها شرح می‌داد و ایشان اعتراف می‌کردند که کسی بهتر از وی برایشان توضیح نداده است.<sup>۷</sup> در الرها بیشتر اهل آن نصارا و دارای سیصد کلیسا و دیر بوده که یکی از آنها از عجایب دنیا

۱. محمد، *الاحوال*، ...، ص ۶۵ - ۶۴؛ علی، *تاریخ الحركة العلمیه و الفکریه*، ص ۴۴۱ - ۴۴۰.

۲. محمد، *الاحوال*، ...، ص ۱۲۰ - ۱۱۸.

۳. رک: همان، ص ۱۲۲ - ۱۲۱.

۴. قبادیانی مروزی، *سفرنامه ناصر خسرو*، ص ۱۲ - ۱۰.

۵. محمد، *الاحوال*، ...، ص ۶۵.

۶. همان، ص ۶۸.

۷. همان، ص ۶۵.

به‌شمار می‌رفته است.<sup>۱</sup> در میافارقین کلیساهای متعدد و مشهوری بوده است.<sup>۲</sup> ابن‌شداد (۵۳۹ - ۶۳۲ ق / ۱۱۹۳ - ۱۲۳۴۹ م) که کتابش به ذکر امرای شام و جزیره اختصاص دارد، در بیان شهرهای جزیره، از مدارس این شهرها و سازندگان و نوع مذهبی که در آنها تدریس می‌شده و تأسیسات دینی نیز سخن گفته که البته همه متعلق به اهل سنت بوده و ذکری از مدارس شیعی نشده است. در حران ۴ مدرسه همه حنبلی، رقه ۲ مدرسه شافعی و حنفی، سنجار ۶ مدرسه از بناهای امرا و وزرای زنگیان مخصوص تدریس مذهب حنفی و شافعی و سه خانقاه، جزیره ابن‌عمر دو جامع برای اقامه نماز جمعه، ۴ مدرسه برای تدریس مذهب شافعی، ۴ خانقاه در درون و بیرون شهر، بیمارستان و ۸۰ مسجد، دیار بکر ۲ مدرسه و ۲ کلیسا، میافارقین ۳ مدرسه برای حنفی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها، جامع و مصلی ساخت ۴۲۳ ق. توسط نصرالدوله حاکم آن و ۲۰۰ مسجد، حصن کیفا ۳ مدرسه، ارزن مدرسه و بیمارستان، ماردین ۵ مدرسه و صد مسجد.<sup>۳</sup>

در یکی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره جزیره، مدارس، خانقاه‌ها، رباط‌ها و کتابخانه‌ها (خزائن کتب) شهرهای مختلف آن شرح داده شده که همگی متعلق به تسنن بوده و در این مدارس یکی از مذاهب سنی تدریس می‌شده است. در موصل ۱۶ مدرسه، اربل ۵، سنجار ۲، جزیره ابن‌عمر ۵ و در نصیبین، ماردین و حصن کیفا نیز تعدادی مدرسه وجود داشت که محل درس و پرورش طلبه بود.<sup>۴</sup> ضمن اینکه در آن روزگار رباط‌ها و خانقاه‌ها نیز فقط مکان خاص صوفیه و زهاد و عزلت‌گزینان نبود، بلکه مراکزی برای برگزاری دروس و منازلی بودند که استادان و طلاب در اثنای سفر علمی و نقل و انتقال در آنها جا می‌گرفتند. در این مکان‌ها، علما با یکدیگر دیدار می‌کردند و طلاب با استادان و بزرگان علم دیدار و از محضرشان بهره می‌گرفتند. حتی فرصتی برای وعظ و ارشاد، تألیف و تصنیف و گفت‌وگوها و سایر مباحث علمی بود.<sup>۵</sup> بنا به گزارشی در سده ششم هجری، در مسجد جامع موصل حلقه‌های درس و تعلیم برگزار می‌شد و عالمان بسیاری در آنجا پرورش یافتند.<sup>۶</sup>

بنیامین تطیلی (تودولایی)، سیاح یهودی اسپانیایی، در سده ششم هجری / ۱۲ میلادی، در مسیر حلب تا بغداد، آماری از خانوارهای یهودی برخی از شهرهای جزیره به‌دست داده که نشانگر سکونت

۱. ابن‌شداد، *الاعلاق الخطیره* ...، ج ۳، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۲۶۶ - ۲۶۰.

۳. ر.ک: همان، به ترتیب ص ۴۲ - ۴۱، ۷۱، ۱۵۷ - ۱۵۶، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۵۸، ۲۷۷ - ۲۷۳، ۵۳۶، ۵۴۴ - ۵۴۳.

۴. الحارثی، *الاولیای الحضاریه* ...، ص ۴۱۹ - ۴۰۳.

۵. همان، ص ۴۲۲ - ۴۲۱، و درباره شرح این تأسیسات: ص ۴۷۷ - ۴۷۶.

۶. ابن‌جبر، *رحلة ابن جبر*، ص ۱۸۹.

یهودیان در بافت جمعیتی جزیره بوده است. در حران ۲۰ خانوار و کنیسه بزرگ، رأس‌العین ۲۰۰ خانوار، نصیبین ۱۰۰۰ خانوار، جزیره الامار [عمر] ۴۰۰۰ خانوار و کنیسه‌ای، موصل ۷۰۰۰ خانوار و سه کنیسه، رهبه (رحبه) ۲۰۰۰ خانوار، برشمرده است.<sup>۱</sup> هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اهل ادیان در جزیره گویای نوعی تسامح دینی بود که وجود داشت. گفته شده اوایل عباسیان، «خلفای عباسی بر ضرورت تسامح با مردم اهل ذمه ساکن در جزیره از نصارا و دیگران تأکید داشتند».<sup>۲</sup>

در چنین ترکیب جمعیتی و تنوع ادیان در جزیره که شیعه گسترده‌گی جغرافیایی و جمعیتی چندانی نداشته و توان پرورش نخبگان فکری و علمی به تعداد زیاد را نیز نداشته است، طبیعتاً حوزه دانشی آن کم‌مایه بوده و زمینه برای مکتب‌سازی شیعی میسر نبوده است.

## ۲. نهادهی و سازمانی نبودن فعالیت‌های آموزشی شیعی

آنچه از بررسی منابع شرح حالی در رابطه با عملکرد و شرایط عالمان و دانشمندان شیعی جزیره حاصل شده آن است که فعالیت‌های علمی و ادبی و فقهی آنها بیشتر به صورت فردی برگزار می‌شده، به این معنا که جلسات درسی که تشکیل می‌شده غیررسمی بوده و آنها جلسات درس منظم و ثابت نداشته‌اند. عالمان معمولاً به صورت فردی یا جمعی در خانه خود یا مساجد پذیرای مراجعان بودند، اشکالات را پاسخ می‌دادند و حدیث نقل می‌کردند؛ حتی بسیاری از آنها ناشناخته بودند، به‌ویژه شاعران. بسیاری از آنان تحت تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی (فشار حاکمان و خلفا)، تنگناهای معیشتی و حتی برای دریافت صله و جایزه از حاکمان، محل سکونت خود در جزیره را ترک می‌کردند. برای نمونه، ابوابراهیم علوی حرّانی، که از بزرگان شیعی در حرّان بود، به خواست سیف‌الدوله حمدانی، حرّان را به مقصد حلب ترک کرد. ابن عدیم می‌گوید: مذهب اهالی حلب، مانند مردمان دمشق اهل سنت بود و این وضعیت ادامه داشت تا سال ۳۵۱ ق. / ۹۶۱ م. که رومیان به حلب هجوم آوردند و بیشتر اهالی آن را کشتند. در این وقت، سیف‌الدوله، جماعتی از علویان، مانند شریف ابوابراهیم (محمد بن احمد) علوی و جز او، را از حرّان جزیره به حلب منتقل کرد. چون سیف‌الدوله شیعه بود تشیع بر حلب غلبه پیدا کرد.<sup>۳</sup> ابوابراهیم سپس در حلب درگذشت. وی تأثیر زیادی در تبلیغ مذهب اهل بیت (ع) در شهر حلب داشت.<sup>۴</sup> در اسانید مالی شیخ طوسی

۱. تودولایی، سفرنامه رای بنیامین تودولایی، ص ۹۵ - ۹۲.

۲. محمد، الاحوال ...، ص ۱۰۱.

۳. ابن عدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۱، ص ۶۰؛ طباح حلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج ۱، ص ۲۵۳؛

ابن شداد، الاعلاق الخطیره ...، ص ۱۷ - ۱۶.

۴. واثقی، الشیعة فی کتاب بغیة الطلب، ص ۱۳۴؛ امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۹.

به عنوان شریف فقیه<sup>۱</sup> از او یاد شده است.

شمیم حلّی، که از او یاد شد، همواره در شهرهای مختلف جزیره مسافرت می‌کرد و کلاس درس ثابتی نداشت. او جلسه درس را در مسجد برپا می‌کرده و جویندگان برای فراگیری دانش به نزد او می‌رفتند. گفته شده به هر شهری که وارد می‌شده، مردم از هر سو به دیدارش می‌شتافتند.<sup>۲</sup> ابن مکی نیلی نیز از زادگاهش نیل به بصره می‌رود و دوباره برمی‌گردد<sup>۳</sup> و سپس معمولاً در جابه‌جایی بوده و کلاس درس ثابتی نداشته است. بنابراین، می‌توان گفت جابه‌جایی‌های مداوم عالمان و ادیبان شیعی در جزیره، عاملی اساسی در عدم ثبات و شکل‌گیری تشکیل کلاس‌های درس منظم شیعیان بوده است. از سویی در جزیره، فقهاء، محدثان و متکلمان شیعی برجسته‌ای در عرصه دانش‌های مذهبی با گفتمان شیعی ظاهر نشدند که همانند عالمان شیعه حله، کوفه، جبل‌عامل، بحرین، قم و جاهای دیگر، تأثیرگذار باشند و مکتب فکری یا فقهی حول دیدگاه‌ها شکل بگیرد.

### ۳. مجهز نبودن شیعه جزیره به نظام و تشکیلات تبلیغی دعوای برای نشر اندیشه شیعی

بزرگان شیعی در سرزمین جزیره، که بیشتر پیرو شیعه امامی یا زیدی بودند، نظام تبلیغی و حمایتی خاص در جهت تبلیغ فقه و حدیث شیعی نداشتند. از اینکه آنها با اعزام معلّم یا مبلغ به صورت جدی و با برنامه مستمر، در جهت تثبیت اندیشه شیعی تلاش کنند، گزارشی در متون ارائه نشده است. این در حالی است که فاطمیان مصر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های شیعی، دارای یک تشکیلات تبلیغی قوی از داعیان (تشکیلات دعو) بودند که نه تنها در مصر، بلکه در سراسر قلمرو جهان اسلام و با صرف هزینه‌های زیادی توانستند پیروان بسیاری به آیین خویش جذب کنند و عقاید اسماعیلی را گسترش دهند. داعیان فاطمی در هر گوشه و کناری دیده می‌شدند. آنها حتی تا بیخ گوش عباسیان در عراق و جزیره نفوذ کرده بودند. حضور تأثیرگذار مؤیدالدین شیرازی (م. ۴۷۰ ق / ۱۰۷۷ م) در دربار حاکمان منطقه جزیره نمونه آشکار آن است.<sup>۴</sup> افزون بر این، ابن ندیم به حضور داعیان اسماعیلی که در موصل بوده‌اند و برخی از نوشته‌های آنان اشاره دارد.<sup>۵</sup> وضعیت شیعه، اندیشمندان، آثار علمی، مراکز و مؤسسات

۱. طوسی، الامالی، ص ۲۲۶.

۲. ابن خلکان، وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۳۳؛ حموی، معجم الأدباء، ج ۴، ص ۱۶۹۰ - ۱۶۸۹؛ قفطی، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، ج ۲، ص ۲۴۳.

۳. سماوی، الطلیعة من شعراء الشيعة، ج ۱، ص ۸۴؛ امین، أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۲۲۰.

۴. ر.ک: مؤید فی الدین، سيرة المؤید الدین داعی الدعاة، ص ۷۶ - ۷۵؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، ج ۱۵، ص ۳۵۱ - ۳۴۸.

۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۶۹ - ۲۶۸.



آموزشی و فرهنگی آنان از سوی عالمان و نویسندگان شیعی آن زمان تدوین نشده که امروزه بتوان آگاهی روشنی از وضع شیعیان و حرکت علمی آنان به دست داد، در حالی که شرح حال عالمان سنی (محدثان، فقها، ادبا، شعرا، اطبا و دیگر اهل علم و هنر) در منابع مختلفی که مؤلفان آنها نیز سنی اند آمده است. این کمبود اطلاعات درباره تشیع جزیره تا حدی است که در کتابی که پیرامون اوضاع تمدنی اقلیم جزیره در سده های ششم و هفتم هجری نگارش یافته، در بحث از تشیع، یک صفحه اختصاص یافته آن هم در این حد که «نزد ما معلومات کافی و دقیقی از وضع مذهب شیعی در اقلیم جزیره نیست. برخی مصادر تاریخی از ازدیاد اتباع دعوت اسماعیلی باطنی به شهر آمد دیار بکر گزارش هایی داده اند».<sup>۱</sup> نویسنده سپس اشاره کرده که بعضی مورخین گفته اند بدرالدین لؤلؤ که در سال ۶۳۱ ق. از جانب خلیفه عباسی بر موصل حاکم شد (۶۳۱ - ۶۵۷ ق / ۱۲۳۴ - ۱۲۵۹ م)، به نشر مذهب شیعی پرداخت و مدارس را که زنگیان در موصل ایجاد کرده بودند به مراکز دعوت مذهب شیعی تبدیل کرد. در این دوره برخی از علمای اهل سنت کتاب هایی در مناقب امام علی یا مقتل الحسین فراهم آوردند و این کتاب ها را بین مردم نشر می دادند؛ اما اینکه این دعوت تداوم داشته را مراجع متذکر نمی شوند. وی در باب تشیع به اشاره مقدسی در سده چهارم هجری در باب حمدانیان و عقیلان که از شیعه بوده اند اکتفا کرده است.<sup>۲</sup>

تلاش های عالمانه و بابرنامه رهبران و عالمان شیعی، خود می توانست عاملی مهم و اساسی در ایجاد و گسترش مکتب شیعی جزیره باشد که چنین امری رخ نداد. گویا آنچه بیشتر برای بزرگان شیعی جزیره، از جمله سادات آن منطقه، اهمیت داشته، حفظ جایگاه و احترام خود در نزد مردم و حاکمان بوده است. آنان با عدم رویارویی و یا مخالفت و چالش با دولت های وقت و خلفای عباسی، در حفظ موقعیت خود می کوشیدند. این سخن به معنای منکوب کردن متفکران و دانشمندان شیعی نیست، بلکه شرایط زمان، محصور بودن در میان جمعیت ها و حکومت های سنی و مقارن بودن با خلافت عباسی که گفتمان فکری تسنن را بر فضای ذهنی مسلمانان حاکم کرده بود، مجال کافی و مناسب برای فعالیت های سازمان یافته تر عالمان و سادات شیعی و رقابت گفتمانی معارض با گفتمان حاکم را نمی داد.

#### ۴. کمبود مراکز علمی و تأسیسات آموزشی جهت حمایت و گسترش تشیع

یکی از کم کاری های دولت های شیعی جزیره، عدم حمایت و یا صرف هزینه از سوی آنها برای تأسیس مدارس، کتابخانه ها و دارالعلم ها برای شیعیان است. تعلیم تا پیش از پیدایش مدارس در اوایل سده چهارم هجری، بر تلاش و تمایل فردی تکیه داشت و نظام مدونی برای آموزش وجود نداشت. آموزش بیشتر

۱. الحارثی، *الاوضاع الحضاریه* ...، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۴۸۳ - ۴۸۲.

به صورت برقراری ارتباط شخصی میان استاد و دانشجو بود. بعدها با پیدایش مدارس و نهادهای آموزشی مختلف، تعلیم و تعلّم نظم خاصی به خود گرفت.<sup>۱</sup> مدارس، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها محل تجمع دانش‌دوستان و فرهیختگان بود، خصوصاً عده‌ای از مسافت‌های دور برای استفاده به این مراکز می‌آمدند. در آغاز، مدارس ساده و فاقد وسایل اقامت بودند؛ اما بعدها در این نهادها استراحتگاه، خوراک و وسایل رفاهی تدارک دیده می‌شد. کتابخانه‌ها محل تجمع قشر فرهنگی بود که به تبادل اطلاعات علمی و مجادله در امور علمی مشغول بودند و در آن کارهای آموزشی و تعلیمی نیز برپا بوده است.<sup>۲</sup>

حکومت‌های حمدانیان، زنگیان، ایوبیان، فاطمیان، علویان طبرستان، سلجوقیان و ایلخانان هر کدام مدارس، دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های بزرگی تأسیس کردند که محل حضور و تدریس عالمان برجسته و استفاده جویندگان دانش بوده‌اند. برخی عالمان و شخصیت‌های سنی نیز به تأسیس این مؤسسات علمی و فرهنگی اقدام می‌کردند که شرح این خدمات در متون تاریخی آمده است. برای نمونه، دارالعلم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی (م. ۳۲۳ ق / ۹۳۵ م)، از فقهای شافعی که یکی از کهن‌ترین دارالعلم‌ها در دوره اسلامی است. وی کتابخانه‌ای از کلیه علوم و فنون اسلامی را وقف آن وقف کرد به گونه‌ای که هر جوینده دانشی از نقاط دوردست می‌توانست برای کسب دانش به این کتابخانه روی آورد و از آن بهره گیرد. ابن‌حمدان هر روز دارالعلم را برای استفاده از کتاب‌ها به روی عموم باز می‌کرد و اگر مراجعه‌کننده توانایی مالی نداشت، به او هم کاغد برای نوشتن و هم خرجی معاش می‌داد. خود موصلی در آنجا می‌نشست و جویندگان دانش نزد وی جمع می‌شدند و از اشعار و نوشته‌های خود و دیگران برای آنان قرائت می‌کرد و از داستان‌های شیرین و نوادر و مسائل فقهی برایشان سخن می‌گفت.<sup>۳</sup> زنگیان که حاکمان قدرتمند سنی مذهب در جزیره پس از بنی‌حمدان و بنی‌عقیل شیعی بودند، به صورت گسترده دست به تأسیس مدارس در شهرهای جزیره برای تدریس فقه اهل سنت زدند. افزون بر نورالدین زنگی، که پیش‌تر به اقدامات او اشاره شد، عزالدین مسعود زنگی نیز در موصل مدرسه بزرگی برای فقهای شافعی و حنفی تأسیس کرد و خودش نیز در همان مدرسه دفن شد. ابن‌خلکان، آن مدرسه را دیده و می‌گوید که از بهترین مدارس است.<sup>۴</sup> ابو حارث ارسلان شاه، پسر عزالدین مسعود، ملقب به ملک العادل (۵۸۹ - ۶۰۷ ق / ۱۱۹۳ - ۱۲۱۱ م) که پس از پدرش در موصل به امارت رسید و به مذهب شافعی تغییر مذهب داد و در خانه‌اش جز

۱. جمعی از نویسندگان، *تاریخ تشیع*، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. همان، ص ۳۰۴.

۳. حموی، *معجم الادبایه*، ج ۲، ص ۷۹۴ - ۷۹۳؛ برای جنبه‌های علمی، شهرت و آثار او، ر.ک: ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۳؛

صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۱۳۸؛ اسنوی، *طبقات الشافعیه*، ج ۲، ص ۲۳۳.

۴. ابن‌خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۵، ص ۲۰۷.

او شافعی نبود، برای شافعیان در موصل مدرسه‌ای بنا کرد که کمتر مدرسه‌ای به خوبی آن یافت می‌شد.<sup>۱</sup> به‌رغم حمایت‌های حاکمان شیعی و سنی در تأسیس نهادهای آموزشی و فرهنگی در نواحی دیگر، از سوی حاکمان شیعی جزیره چنین اقداماتی برای تأسیس مراکز آموزشی خاص شیعیان دیده نشده است؛ اگر هم اقدامی از سوی آنها انجام شده، با از بین رفتن حکومت‌ها و روی کار آمدن حکومت‌های سنی، آن نهادها نیز از بین رفته یا کم‌رنگ شده‌اند. در توصیف وجود مدارس شیعی در شهرهای جزیره هرچند برخی مورخان همچون عبدالجلیل رازی، به قدرت تشیع و تعداد مدارس و مساجدشان در شهرهای مختلف این دوره اشاره کرده و یکی از جاهایی که در آنجا امرای شیعی و مدارس شیعی بوده، حران در جزیره بوده است،<sup>۲</sup> اما نشانه و شواهدی که بازگوکننده این مطلب باشد که حاکمان شیعی جزیره به مانند دیگر حکومت‌ها در تأسیس مدارس و نهادهای شیعی در جزیره به صورت جدی و گسترده اقدام کرده باشند، در متون تاریخی دیده نمی‌شود.

تأسیس کتابخانه‌ها نیز به همین شکل بوده است. وجود کتابخانه‌های شیعی در جزیره بیشتر به صورت شخصی بوده و کسانی بنا بر علاقه خود، کتب مختلف را گردآوری می‌کردند. عالمان شیعه این منطقه، وقت زیادی صرف گردآوری کتب می‌کردند و کتابخانه‌های شیعی پدید می‌آوردند و در اختیار عموم هم قرار می‌دادند، که برخی از آنها تا سده‌ها محل مراجعه جویندگان علوم بود. ابن‌ندیم، زمانی که در موصل بوده از این گونه کتابخانه‌های شخصی، که افراد شیعی صاحبان آنها بوده‌اند، دیدن کرده و از آنها نام می‌برد؛ از جمله از کتابخانه علی بن احمد عمرانی موصلی که پیش‌تر از او یاد شد. عمرانی به جمع‌آوری کتاب‌های بسیار همت گماشت و افراد از راه‌های دور برای مطالعه به این کتابخانه می‌آمدند و بهره می‌بردند.<sup>۳</sup> ابن‌ندیم، که از نزدیک از این کتابخانه بازدید کرده، می‌گوید: من مقاله دهم از کتاب هندسه اقلیدس را در موصل در کتابخانه علی بن احمد عمرانی دیدم.<sup>۴</sup>

محمدحسین، معروف به ابن‌بعره، اهل حدیثه از شهرهای جزیره، یکی دیگر از شیعیان کتاب‌دوست در جزیره بوده که کتاب‌های مختلف را فراهم می‌نموده است. ابن‌ندیم با او دوست بوده و چند بار به دیدن وی و کتابخانه شخصی‌اش رفته است. به گفته ابن‌ندیم، ابن‌بعره از اینکه چیزهای خود را به کسی نشان دهد نفرت داشته است؛ اما گویا به واسطه دوستی با ابن‌ندیم، کتاب‌دان (محل نگهداری) کتاب‌های خود را که شامل کتب و نسخه‌های خطی و دست‌نوشته‌هایی در زمینه علوم مختلف در نحو، قرائت، شعر،

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲. قزوینی رازی، *نقض*، ص ۳۴، ۴۳۵، ۴۵۹ و ۴۷۱.

۳. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۳۹۴؛ قفطی، *اخبار العلماء باخيار الحكماء*، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۳۷۱.

انساب عرب و سایر دانش‌ها بوده، به او نشان داده است. بسیاری از آنها از یک عالم شیعی اهل کوفه به او بخشیده شده بود. از جمله متون شگفت‌انگیز کتابخانه او، قرآنی به خط خالد بن ابوهیاج، از اصحاب امام علی علیه السلام بوده، که نامه‌هایی به خط امام حسن علیه السلام به امام حسین علیه السلام و امانات و عهدنامه‌هایی به خط امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خط سایر کاتبان پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن بوده و این‌ندیم آن را دیده است. همچنین در این کتابخانه نوشته‌هایی در نحو و لغت از علمای معروف این فنون و نوشته‌هایی از اصحاب حدیث مانند سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، اوزاعی و دیگران در آن دیده می‌شد.<sup>۱</sup>

برادران خالدی به نام‌های ابوبکر محمد و ابوعثمان سعید، فرزندان هاشم، که هر دو شاعر، ادیب، پرحافظه و بدیهه‌گو و اهل روستای کوچک خالدیه در نزدیکی موصل بودند، از جمله کسانی بودند که به گردآوری کتاب و نسخ می‌پرداختند. ابوعثمان پیش از مُردن، شعر خود و برادرش را گرد آورد و به گمان این‌ندیم، غلام ایشان به نام رشا نیز آن را در حدود هزار ورق گردآوری کرده بود. برخی از کتاب‌هایی که این دو تن داشتند عبارتند از: کتاب *حماسة شعر المحدثین*، کتاب *اخبار الموصل*، کتاب *فی اخبار ابی تمام و محاسن شعره*، کتاب *فی اخبار شعر ابن الرومی*، کتاب *اختیار شعر البحتری*، کتاب *اختیار شعر مسلم بن الولید*.<sup>۲</sup> این دو، در عصر حمدانیان موصل می‌زیستند و به شهرهای مختلف از جمله بغداد، دمشق و حلب مسافرت می‌کردند و در خدمت بزرگانی همچون مهلبی وزیر در بغداد و سیف‌الدوله حمدانی در حلب درآمدند و به مدح آنها پرداختند. یکی از شغل‌های عمده این دو برادر، همانا گردآوری یا تلخیص و بازنویسی کتاب‌های گوناگون و جمع‌آوری شعر شاعران بوده است. گفته شده هرگاه نوشته و یا شعری مورد پسندشان قرار می‌گرفت، آن را به خود نسبت می‌دادند. تعدادی از کتاب‌های ایشان در حقیقت نقل روایت‌های دیگران است؛<sup>۳</sup> از جمله، اشعار شاعر شیعی شهر بلد، خباز بلدی را در سیصد ورق گردآوری کردند.<sup>۴</sup> مهارت آنها در کتاب‌داری به اندازه‌ای بوده که هر دو، کتاب‌دار کاخ سیف‌الدوله در حلب شدند.<sup>۵</sup>

## عوامل اقتصادی

### ۱. کمبود پشتوانه مالی برای فعالیت‌های علمی و فکری

فعالیت گسترده علمی نیازمند پشتوانه مالی و بهره‌مندی از حمایت‌های اقتصادی شاهان، امرا، وزرا و

۱. همان، ص ۶۱ - ۶۰.

۲. همان، ص ۲۴۱ - ۲۴۰؛ حموی، *معجم الادباء*، ج ۲، ص ۵۶۲.

۳. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۴۱.

۴. همان، ص ۲۴۰.

۵. برقی، *راهنمای دانشوران در ضبط نام‌ها، نسب‌ها و نسبت‌ها*، ج ۱، ص ۲۲۷.

بزرگانی است که توانایی مالی در حمایت از اصحاب علم و دانش را دارا بودند. نکته بارز در رابطه با عملکرد حاکمان شیعی برای شکل‌گیری مکتب تشیع در جزیره آن است که این حکام در ایجاد یک محیط علمی همراه با آرامش و امکانات مالی و معیشتی برای بزرگان و دارندگان دانش شیعی به خوبی عمل نکردند. این در حالی است که شعبه‌ای دیگر از خاندان حمدانی در شام به رهبری سیف‌الدوله، به دلیل حمایت و تشویق وی، مأوا و محلی برای بزرگان شیعی در تمام زمینه‌ها بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از عالمان و شاعران جزیره برای این حمایت‌ها رهسپار دیار او می‌شدند. این به سبب گشاده‌دستی و ادب‌دوستی سیف‌الدوله بود که آوازه‌اش در جهان اسلام شایع شده بود و اهل دانش و ادب از هر جا به سوی او می‌رفتند یا به وی نامه می‌نوشتند و رفع حاجت خود را می‌طلبیدند. سیف‌الدوله نیز آنها را مورد لطف خود قرار می‌داد.<sup>۱</sup> نه تنها حمدانیان حلب، بلکه دیگر حکومت‌های شیعی همچون آل بویه (شاخه عراق ۳۳۴ - ۴۴۷ ق / ۹۴۵ - ۱۰۵۵ م) و فاطمیان مصر نیز در حمایت از فقیهان و عالمان شیعی قابل ذکر هستند. نمونه شناخته‌شده آن، حضور خاندان رضی، سید (شریف) رضی (م. ۴۰۶ ق / ۱۰۱۵ م) و سید مرتضی (۴۳۶ ق / ۱۰۴۴ م)، در دربار آل بویه است. از این‌رو، به استناد چنین رفتاری می‌توان گفت که بخش اعظمی از سیاست‌های فرهنگی در ایالت جزیره بر مبنای فردمحوری بوده است و احتمال داشته افراد با تمایل‌های این‌چنین بتوانند دستاوردهایی در زمینه شیعی به جای بگذارند.

در بررسی منابع و شرح حال عالمان مشاهده می‌شود که تعداد زیادی از شاعران، ادیبان و محدثان بزرگ از شهرهای جزیره رهسپار دیار حمدانیان شام یا دیگر جاها و حتی به سوی خلفای فاطمی مصر می‌رفتند. بی‌گمان کرم و بخشش هدایا و عطایا به صاحبان رشته‌های مختلف دانش، نقش مهمی در پربار بودن دربار یک دولت دارد. این امر نتوانست در ارتباط با حاکمان شیعی جزیره چندان خود را نشان دهد. خساست مالی ناصرالدوله حمدانی در منابع ذکر شده است. حمدانیان موصل برای تأمین نیازهای مالی، از سیاست خشنی پیروی می‌کردند و منابع مالی را برای دربار خود و برآوردن نیازهای خود صرف می‌نمودند.<sup>۲</sup> همین امر خود می‌توانسته در مهاجرت افراد احتمالی شیعی از ایالت جزیره به سوی شام تأثیر داشته باشد؛ زیرا در آن منطقه از یک جانب افرادی مانند سیف‌الدوله حکومت می‌کردند و از جانب دیگر، محیط‌های شیعی قدرتمندی نظیر حلب وجود داشت که افراد می‌توانستند در آنجا با خیال راحت‌تری زندگی کنند. البته گاه حوادث سیاسی نیز بر مهاجرت نیروهای فکری به مناطق دیگر تأثیر می‌گذاشت؛ چنان‌که با حمله مغولان در سده هفتم قمری بسیاری از علما، شعراء ادبا و صنعتگران از اقلیم جزیره به

۱. سامر، *الدولة الحمدانية في الموصل و حلب*، ج ۱، ص ۲۵۶ - ۲۵۴.

۲. همان، ص ۳۲۴.



مناطق دیگری چون شام و مصر و جاهای مجاور رفتند و معارف و علوم و صناعات را به آنجاها منتقل کرده و بر آن مناطق تأثیر گذاشتند.<sup>۱</sup>

## ۲. فعال نبودن بناهای عام‌المنفعه و اوقاف شیعی

سنت وقف مراکز و تأسیسات آموزشی، فرهنگی و دینی مانند مساجد، مدارس، کتابخانه و دارالعلم و غیره و قرار دادن موقوفات بزرگ برای حفظ و اداره آنها از سوی بزرگان حکومتی، دینی، تجار و ممولین و دیگر افراد خیر و نیک‌اندیش می‌توانست به فعالیت‌های آموزشی رونق داده و به آن تداوم بخشد. با اینکه در میان حکومت‌های سنی جزیره نمونه‌های زیادی از این تأسیسات برخوردار از حمایت موقوفات وجود داشته، اما به دلیل ناپایدار بودن حکومت‌های شیعی جزیره، اگر چنین مراکز عام‌المنفعه‌ای هم وجود داشته تداوم نیافته و اندیشمندان شیعی از مزایای آن برخوردار نشده‌اند. از سویی، چه از طرف حکام و چه از طرف بزرگان شیعی، اقدامی در جهت ایجاد مراکز عام‌المنفعه نظیر «ابواب البر»، که پشتوانه مالی و حمایتی علمای شیعه در امور فرهنگی باشد، صورت نگرفته است. هیچ گزارشی در این زمینه در منابع بازتاب نیافته است و این امر می‌تواند حاکی از آن باشد که شیعیان، چه در سطوح حکومتی و چه در سطوح غیرحکومتی، به فکر تأسیس چنین بناهایی نبوده‌اند.

## نتیجه

ایالت جزیره در دوران اسلامی یکی از مناطقی بود که سادات و طالبین و شیعیان در آن حضور چشم‌گیر داشته و افزون بر حرکت‌های شیعی که در آغاز در آن جریان داشت، حکومت‌های متعددی با گرایش شیعی نیز در آن شکل گرفتند. عالمان و شاعران شیعی با فعالیت‌های علمی و فرهنگی خود در کنار عالمان و شاعران اهل سنت در رونق علمی و فرهنگی جزیره نقش داشتند و برخی از تأسیسات تمدنی را پدید آوردند. با وجود عواملی که موجب شده تا چهره بسیاری از این بزرگان شیعی و خدمات آنها آشکار نماند، فعالیت‌های حکومت‌های سنی در زدودن آثار شیعی و فراهم‌سازی زمینه گسترش تسنن، عامل مهمی بوده است؛ اما با جست‌وجو در متون تاریخی به حقایقی در این باره می‌توان دست یافت. نکته مهم اینکه با وجود پیشینه باستانی جزیره در فعالیت‌های علمی و فرهنگی و نقش مؤثر آن در دوران نهضت ترجمه در سده‌های نخست اسلامی، این منطقه نتوانست یک کانون فرهنگی درخشان و تأثیرگذار را شکل دهد. همچنین جریان تشیع در این سرزمین نیز نتوانست یک مکتب شیعی خاص آن، که در برابر دیگر شهرهای شیعه‌نشین مطرح شود، پدید آورد.

۱. الحارثی، *الأوضاع الحضاریه ...*، ص ۵۵.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی بزرگان شیعی جزیره بیشتر به صورت حرکت‌های فردی انجام می‌شد و به شکل تأسیسات تمدنی گسترده و جریان فکری و مذهبی مؤثر و فراگیر ظاهر نشد. افزون‌بر عملکرد عالمان و چهره‌های علمی و فرهنگی شیعی که سازمان‌یافته و نظام‌مند نبود، عدم حمایت حکام شیعی جزیره از فعالیت‌های علمی و فرهنگی منسجم و عدم حمایت مؤثر مالی از عالمان و اولویت دادن به مسائل سیاسی نظامی، که شرایط سیاسی جزیره آن را ایجاب می‌کرد، موجب شد که مکتب شیعی منسجمی در جزیره شکل نگیرد و هیچ‌یک از شهرهای آن به پایگاه مهمی برای تداوم تشیع و شکوفایی علمی و فرهنگی آن تبدیل نشود. به این نکته نیز باید توجه داشت که در شکوفایی فرهنگ و تمدن، عوامل و مؤلفه‌های مهمی مانند امنیت و آرامش، رفاه اقتصادی، آزادی فکر و اندیشه، پایبندی به اخلاق، تأثیرگذار است. این در حالی است که منطقه جزیره با توجه به موقعیت خاص خود، دارای شرایط ویژه‌ای بود. در این منطقه، عناصر مختلفی اعم از کُرد، عرب، مسلمان و مسیحی ساکن بودند، که در موارد بسیاری برای حکومت‌های وقت مشکلات و ناآرامی‌هایی پدید می‌آوردند. حکومت‌های شیعی وقت، از یک طرف با عناصر داخلی و شورش‌ها درگیر بودند و از طرفی دیگر، باید با تهدید عناصر خارجی مانند بیزانس، فاطمیان، آل بویه و قرمطیان روبه‌رو می‌شدند. بنابراین، اضطراب سیاسی و درگیر بودن در جنگ‌ها، خود مانع از این می‌شد که بتوان انتظار داشت حمدانیان و بنی‌عقیل در جزیره همانند سیف‌الدوله بتوانند درباری پررونق از حضور صاحبان علم و هنر و شعر داشته باشند. بی‌گمان چنانچه در ایالت جزیره در زمینه مدرسه‌سازی، بنای دارالعلم، مسجدسازی، احداث موقوفات و دیگر نهادهای فرهنگی شیعی، از سوی سلسله‌های شیعی اقداماتی درخور توجه و اساسی انجام می‌شد، می‌توانست هم در تداوم حکومت‌ها و هم در شکل‌گیری مکتب تشیع در جزیره تأثیرگذار باشد.

## منابع و مأخذ

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۲). *تحریر تاریخ و صاف*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن ابی‌اصیبه، احمد بن قاسم (۲۰۰۱). *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*. تحقیق عامر النجار. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابن‌الوردی، زین‌الدین عمر بن مظفر (۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶). *تاریخ ابن‌الوردی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌جبیر، محمد بن احمد (بی‌تا). *رحلة بن جبیر*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن‌جلجل، سلیمان بن حسان (۱۹۵۵ م). *طبقات الأطباء و الحكماء*. قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة.

- ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲). **المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم**. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا). **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان**. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ابن شداد، محمد بن علی (۱۹۹۱). **الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره**. تحقیق یحیی زکریا عباره و سامی دهان. دمشق: وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ ق). **فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم**. قم: دار الذخائر للمطبوعات.
- ابن طقطقی الحسنى، صفی الدین محمد (۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۴ ش). **الأصیلی فی انساب الطالبیین**. تحقیق مهدی رجایی. قم: مكتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن عدیم، عمر بن احمد (بی تا). **بغیة الطلب فی تاریخ حلب**. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی (۱۳۶۳). **الفصول الفخریه**. به اهتمام جلال الدین محدث ارموی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی (۱۴۱۷). **عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب**. قم: انصاریان.
- ابن فندق، علی بن ابوالقاسم بیهقی (۱۴۲۸ / ۱۳۸۵). **لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب**. تحقیق مهدی رجایی و محمود مرعشی. ط ۲. قم: مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۴ ش). **مجمع الآداب فی معجم الألقاب**. تصحیح و تنظیم محمد کاظم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م). **الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة**. تحقیق مهدی النجم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن معتز عباسی، عبدالله بن محمد (۱۹۷۶). **طبقات الشعراء**. تحقیق عبدالستار احمد فراج. قاهره: دار المعارف. الطبعة الثالثة.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). **الفهرست لابن النديم**. بیروت: دار المعرفه.
- الازدی، یزید بن محمد (۱۴۲۷ / ۲۰۰۶). **تاریخ الموصل**. تحقیق احمد عبدالله محمد بن ایاس. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- اسماعیل، فرست مرعی (۲۰۲۰). «الفتح الاسلامی لبلاد الجزیره الفراتیه و استنطاق للنوص التاريخیه». **جامعه راخو. القضيہ ۱. حجم ۱.**
- اسنوی، عبدالرحیم بن حسن (۱۴۲۲ ق.). **طبقات الشافعيہ**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۲۰۰۴). **المسالك و الممالك**. تصحیح محمد جابر عبدالعال حینی. قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة.
- امین، محسن (۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶). **اعیان الشیعه**. حققه و اخرجہ و استدرک علیہ حسن الامین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- اولیری، دلیسی (۱۳۷۴). **انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی**. ترجمه احمد آرام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱). **سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی**. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- برقی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). **راهنمای دانشوران در ضبط نام‌ها. نسب‌ها و نسبت‌ها**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- تودولایی، رابی بنیامین (۱۳۸۰). **سفرنامه رابی بنیامین تودولایی**. ترجمه مهوش ناطق. تهران: کارنگ.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۲۰ / ۲۰۰۰). **یتیمہ الدهر فی محاسن اهل العصر**. تحقیق مفید محمد قمیحه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). **تاریخ تشیع**. زیر نظر احمد رضا خضری. تهران: سمت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الحارثی، عبدالله بن ناصر بن سلیمان (۲۰۰۷ / ۱۴۲۷). **الاورضاع الحضاریه فی اقلیم الجزیره الفراتیه فی القرنین السادس و السابع للهجره / الثانی عشر و الثالث عشر للمیلاد**. تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور. بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). **امل الآمل**. تحقیق احمد حسینی. قم: دار الکتب الاسلامی.
- حمودی، شیرین (۲۰۰۸). الجزیره الفراتیه منذ بداية العصر العباسی و حتی نهاية خلافة مأمون (۱۳۲ - ۲۱۸ ق / ۷۵۰ - ۸۳۳ م). **رسالة ماجستير غیر منشوره**. طلبة الآداب. جامعه دمشق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳). **معجم الادباء**. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). **معجم البلدان**. بیروت: دار صادر.

- خطاب، محمود شیت (۱۹۸۵ / ۱۴۰۵ ق). «بلاد الجزيرة قبل الفتح الاسلامی و فی ایامه». **مجله المجمع العلمی العراقي**. بغداد.
- خطیب بغدادی (۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م). ابی بکر احمد. **تاریخ بغداد او مدینه السلام منذ تأسيسها حتى سنة ۵۴۶۳**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الدویکات. فؤاد عبدالرحیم (۲۰۱۳). «الاحوال الزراعية فی اقليم الجزيرة الفراتية فی العصر الاموی». **المجله الاردنيه فی التاريخ و الآثار**. المجلد ۷. العدد ۱.
- رجایی موسوی، مهدی (۱۴۲۲ / ۲۰۰۱). **الکواکب المشرقة فی أنساب و تاریخ و تراجم الأسرة العلوية الزاهرة**. قم: مکتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی.
- رشیدالدین فضل الله (۱۹۸۹ / ۱۳۳۸). **جامع التواریخ**. به کوشش بهمن کریمی. تهران: اقبال.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹). **الاعلام**. بیروت: دار العلم للملایین.
- زوید، ولید عباس محمد (و رفاقه = همکاران) (۲۰۲۰). هجرت القبائل العربیة الى الجزيرة الفراتية من الفتح الاسلامی حتى نهاية العصر الاموی (۱۸ - ۱۳۲ ق / ۶۳۹ - ۷۵۰ م). **مجله البحث العلمی فی الآداب (العلوم الانسانیة و الاجتماعیة)**. العدد ۲۱. الجزء الثامن. اکتوبر.
- سامر، فیصل (۱۹۷۰). **الدولة الحمدانية فی الموصل و حلب**. بغداد: مطبعة الایمان.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۳۹۳ ق / ۱۹۶۴). **طبقات الشافعية الكبرى**. به کوشش عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد طنّاحی. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- سماوی، محمد (۱۴۲۲). **الطليعة من شعراء الشيعة**. تحقیق کامل سلمان الجبوری. بیروت: دار المورخ العربی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۳). **الانساب**. تصحیح و تعلیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی. حیدرآباد: مطبعة مجلس. دایرة المعارف العثمانیة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا). **طبقات المفسرين**. بیروت: دار الکتب العلمیة. منشورات محمد علی بیضون.
- شرف الدین، عبدالله (۱۴۱۱ / ۱۹۹۱). **مع موسوعات رجال الشيعة**. بیروت: الارشاد للطباعة و النشر.
- شمیسانی، حسن (۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م). **مدینه ماردين من الفتح العربی الى سنة ۱۵۱۵ م / ۹۲۱ ق**. بیروت: دار عالم الکتب.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۷۷). **مجالس المؤمنین**. تهران: اسلامیة.



- شیخ آقابزرگ تهرانی. محمد محسن (۱۴۳۰ ق / ۲۰۰۹ م). **طبقات اعلام الشيعة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شیخ آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۸ ق). **محمد محسن. الذریعة الى تصانیف الشيعة**. قم: اسماعیلیان و تهران: کتابخانه اسلامی.
- صابان، سهیل (۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م). **جزیره ابن عمر فی التاريخ و الحضارة. مجله الفيصل**. العدد ۲۹۳. ذوالقعدة / شباط.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). **کمال الدین و تمام النعمة**. صححه و علّق علیه علی اکبر الغفاری. طهران: دار الکتب الاسلامیه.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن ایبک (۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰). **کتاب الوافی بالوفیات**. تحقیق و اعتناء احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، محمد راغب (۱۴۰۸ - ۱۴۰۹ / ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹). **اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء**. محمد کمال. حلب: دار القلم العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش). **کتاب الغیبه**. تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح. قم: مؤسسه المعارف اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). **الامالی**. تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه. مؤسسه البعثه. قم: دار الثقافه.
- ظهیری، شعله (۱۳۹۵). «نقش مراکز علمی جزیره در پیشبرد علوم و ادب عربی عصر عباسی (مطالعه موردی دیار بکر و دیار مضر)». **الجمعية العلمیه الايرانیه للغه العربیه و آدابها**. العدد ۴۰. خریف.
- الغزوی، عبدالمرشد (۱۹۸۴). **حدود الجزیره الفراتیه عند الاصطخری و ابن حوقل (بین شمشاط و سمیساط)**. **مجله دراسات التاریخیه**. ۴ (۴). دمشق: کانون ثانی - ایار.
- علی. جاسم صکبان (۱۹۸۵). «الحیة الريفیه فی الجزیره الفراتیه فی القرن الاول الهجری». **مجله المورخ العربی**. العدد ۲۶.
- علی. حسین (بی تا). **تاریخ الحركة العلمیه و الفکرية و ابرز اعلامها فی مدن الجزیره الفراتیه فی ترکیا (ماردین، دیاربکر [آمد]، نصیبین، میافارقین، جزیره ابن عمر)**.
- علی، حسین (۲۰۱۹). **تاریخ العلماء المنسوبین الى جزیره ابن عمر**:

- غندور، محمدیوسف (۱۹۹۰). *تاریخ جزیره ابن عمر منذ تأسيسها حتى الفتح العثماني*. بیروت: دار الفكر اللبناني.
- قبادیانی مروزی، ناصر بن خسرو (۱۳۶۷). *سفرنامه ناصر خسرو*. به کوشش نادر وزین پور. تهران: سپهر.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ ش). *نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»*. تصحیح میرجلال‌الدین محدث. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸). *آثار البلاد و اخبار العباد*. بیروت: دار صادر.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۴۲۴ ق). *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: المكتبة العصرية.
- قمی، عباس (۱۳۸۵). *الفوائد الرضوية فی احوال علماء المذهب الجعفريه*. تحقیق ناصر باقری بیدهندی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- کحاله، عمر رضا (۱۳۷۶ ق). *معجم المؤلفين*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- کراچکوفسکی (۱۳۷۹). *ایگناتی یولیانوویچ. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی فرهنگی.
- کراوس، پل و دیگران (۱۳۹۱). *فرهنگ یونانی و اندیشه ایرانی*. ترجمه مهدی حسینی اسفیدواجانی. تهران: علم.
- گوتاس، دیمتری (۱۳۸۱). *تفکر یونانی و فرهنگ عربی*. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محمد. سوادى عبد (۱۹۸۹). *الاحوال الاجتماعية و الاقتصادية فی بلاد الجزيرة الفراتية خلال القرن السادس الهجرى / الثانی عشر المیلادی*، بغداد: وزارة الثقافة و الاعلام دار الشؤون الثقافية العامة.
- مدرس تبریزی. محمدعلی (۱۳۶۹). *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکلیه او اللقب*. تهران: کتابفروشی خیام.
- مروزی الازوارقانی (۱۴۲۸ ق / ۱۳۸۵ ش). *اسماعیل بن حسین. الفخری فی انساب الطالبیین*. تصحیح و تنظیم مهدی رجایی. قم: مكتبة آية الله العظمی مرعشی نجفی.
- مظفر، محمدحسین (۱۴۰۸ ق). *تاریخ الشیعه*. بیروت: دار الزهراء.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد (بی تا). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. بیروت: دار صادر.

- مؤيد في الدين، هبه الله بن موسى (١٩٤٩). *سيرة المؤيد الدين داعي الدعاة*. تحقيق محمد كامل حسين. قاهره: دار الكاتب المصري.
- ناجي، محمدرضا (١٣٩٠). *جزيره ابن عمر. دايره المعارف بزرگ اسلامي*. تهران: مركز دايره المعارف بزرگ اسلامي.
- نالينو. كرلوا آلفونسو (١٣٤٩). *تاريخ نجوم اسلامي*. ترجمه احمد آرام. تهران: كانون نشر پژوهش هاي اسلامي.
- نجاشي، أبو العباس أحمد بن علي (١٤١٨ ق). *فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي (رجال نجاشي)*، تحقيق: موسى الشيرى الزنجاني. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- نعمه، عبدالله (١٩٨٧). *فلاسفة الشيعة حياتهم و آراؤهم*. قدّم له محمد جواد مغنيه. بيروت: دار الفكر اللبناني.
- واثقي، حسين (١٣٨٤ ش / ١٤٢٦ ق). *الشيعة في كتاب بغية الطلب في تاريخ حلب لابن العديم*. قم: دليل ما.
- وريكات، هالا (٢٠٠١). *الحياه الاجتماعية و الاقتصادية في الجزيرة الفراتية في القرنين الرابع و الخامس الهجريين. رساله ماجستير غير منشوره. الجامعة الاردنية*.
- يونيني، قطب الدين موسى بن محمد (١٤١٣ ق / ١٩٩٢) *ذيل مرآة الزمان*. بعناية وزارة التحقيقات الحكومية و الامور الثقافية للحكومة الهندية. ط ٣. قاهره: دار الكتاب الاسلامي.
- Düşünce Bilimleri Klasik Sorunlar - Güncel Tartışmalar, Mardin: Mardin Artuklu Üniversitesi Yayinlari, Mardin Sesi Gazetecilik Matbaacılık Yayıncılık, Aralık 2018.